

۱۰ سال از شهادت رفیق پرویز حکمت جو عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران گذشت

صفحه ۷

ساواک بازسازی شده توسط جمهوری اسلامی نیز قادر به انجام رسالت ساواک آریامهر نیست!

کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سرکوب جنبش رهائی بخش دهه ۲۰ و اوایل دهه ۳۰، در عین حال که برای نیروهای انقلابی حاوی نکات آموزنده و تجارب گرانبها بود و لزوم اتحاد عمل و وحدت آنها را در مقابل ارتجاع و امپریالیسم یکبار دیگر با روشنی نشان داد، برای نیروهای ضد انقلابی و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا نیز یادآور این نکته بود، که برای تبدیل ایران به منبع غارت مواد نفتی و "جزیره ثباتی" که سکوت گورستان بر آن حاکم باشد، باید رژیم حاصل از کودتا را به آنچنان دستگاه امنیتی مدرن و نیرومندی مجهز سازند، که قادر باشد در دراز مدت سبب سرکوب امپریالیسم را بر میهن ما تأمین نموده و هرگونه صدای آزاد یخواهی و استقلال طلبی را در گلو خفه سازد.

امپریالیسم جهانی و عامل داخلی آن دربار پهلوی، که از رشد بیسابقه جنبش مردم با شرکت موثر حزب توده - ایران در سالهای پس از جنگ دوم جهانی و برای ملی شدن نفت، خاطره تلخی داشتند، پس از کودتای ۲۸ مرداد، دیگر دستگاههای سرکوب پلیسی سابق از جمله رکن دوم ارتش، ژاندارمری، شهرانی و اوباشان مزد بگیر را برای اعمال حکومت ترور و خفقان مناسب نمی دیدند و از همین رو تصمیم به سازماندهی نیروی امنیتی نیرومندی بنام "سازمان امنیت و اطلاعات کشور" (ساواک) گرفتند.

بقیه در صفحه ۱۴

راه توده

تشریح واداران حزب توده ایران در خارج از کشور

جمعه ۲۷ خرداد ۱۳۶۲ مطابق ۲
رخسان ۱۴۰۳ و ۱۷ تیر ۱۹۸۳
سال اول، شماره ۶۶۰
پهنا: ۴۰ سانتی متر

پیروزی از آن حزب توده ایران است

محروم میهن ما نسبت به حزب توده ایران، قدم بقدم افشای میشود. آنها سعی می کنند سیاست سازشکارانه خود را که دیگر جهتش پسوی "قبله غرب" سرمایه داری است، بسا سیاست دولت جوان اتحاد شوروی در سالهای پس از انقلاب کبیر اکتبر یکی قلمداد سازند و از این طریق برای سیاست خود اعتبار "انقلابی" بودن کسب کنند. سیاست انقلابی دهها ساله کشور شوراها، که با پیروزی برگزیده ارتجاعی عقب مانده روسیه تزاری و آشتی ناپذیری با سرمایه داری و امپریالیسم همراه بوده است، از آنچنان بقیه در صفحه ۶

صفحات متعددی از روزنامه های مجاز در جمهوری اسلامی ایران به "ردیه" ها و "ترجیع بند های" سر مست از "پیروزی بر حزب توده" و "لجن پراکنی به حزب شهیدان و قهرمانان و به اتحاد شوروی اختصاص دارد. با نظری کوتاه به این "مقالات" و "سفر" مقالات "میتوان منظور طراحان این مطلب را، که در اساس بد نیال القاء چیز دیگری هستند، فهمید. این قلمزنان در واقع میخواهند سیاست خیانت به انقلاب را توسط حاکمیت راستگرایان و تسلیم طلبان تطهیر کنند. سیاستی که، بیه واسطه" اعتقاد روز افزون توده های زحمتکش و

ما با "انتقاد منصفانه" موافقیم!

"مستضعف، مستضعف تر شده است"

این روزها در ایران رسم شده است، که همه موقع صحبتشان بطلبند که باید هر کس انتقادی دارد قبل از طرح انتقاد خود، دستاورد های انقلاب را بر شمرد و آنها را ارج نهادن انتقادش "انتقاد منصفانه" باشد.

ما با این معنی موافقیم و اعتقاد راسخ داریم، که هر کس دستاورد های انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی و خلقی مردم میهن ما را فراموش کند و یا بگوید، که آنها بیه فراموشی سپرده شوند و یا مهمتر از آن به منحن آنها بپردازد، خیانت بخشش ناپذیری نسبت به شهدای جانباز و خلق انقلابی و ایثارگر میهن ما کرده است.

آری، آنهاست که در سخنان و اعمال خود موضع زحمتکشانی را که برای براندازی رژیم سلطنتی - ساواکی به خیابانها آمدند و جان باختند تا دستشان در گان امپریالیسم را به ذباله تاریخ بیاندازند، تا "بهار آزادی" را به میهن ما بازگردانند، تا پایه های اقتصادی - اجتماعی غارت چپا و لکرانه سرمایه داران وابسته و غیر وابسته و بزرگ زمین داران سلطنتی و غیر سلطنتی را تخریب کنند و عدالت اجتماعی را برای زحمتکشان، برای کارگران - ستون فقرات انقلاب - برای دهقانان کم زمین و بی زمین، برای روشنفکران انقلابی و زنان و جوانان میهن دوست تأمین کنند، آری آنهاست که در سخن و اعمال خود مواضع این زحمتکشان را فراموش کنند، به خلق و انقلاب بقیه در صفحه ۲

گسترش همبستگی بین المللی برای نجات جان زندانیان توده ای

بخشیده است از مرگ این رفیق، از طریق آگهی های یاد بود روزنامه "کیهان مطلع شدیم. چه بسا که رفقای دیگری تا کنون زیر شکنجه های جلادان جمهوری پشهادت رسیده اند که خاک سرد گور و یا باتلاقیهای ننگ، پیکرهای عزیزشان را همراه با راز مرگ آنان، در کام خود کشیده باشند.

احزاب، سازمانهای مترقی، شخصیت های مبارز و دمکراتهای آلمان، فدرال به فعالیت وسیعی، جهت افشای شکنجه های اعمال شده در مورد زندانیان توده ای، دست زده و اخبار مربوط بقیه در صفحه ۳

اخبار واصله از ایران، در مورد ادامسه شکنجه های وحشیانه مبارزین توده ای که در سیاهچالهای بی نام و نشان حکومت جمهوری اسلامی بسر می برند و معلوم نیست تا کنون چند تن از آنان، بی سروصدا سر به نیست شده اند، افکار عمومی مترقی جهان را پشیدت نگران ساخته و پیوسته خبر مربوط به شهادت رفیق حسن حسین پور تبریزی، رهبر برجسته جنبش کارگری و سندیکایی که در محافل کارگری بین المللی شناخته شده و سابقه مبارزاتی وی به سالهای قبل از کودتای ۲۸ مرداد میرسد، زنگ خطری بود که فعالیت جهت نجات جان زندانیان دیگر را تسریع

زنده باد حزب توده ایران مدافع راستین استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی

مابا "انتقاد منصفانه" موافقیم!

"مستضعف، مستضعف تر شده است"

بقیه از صفحه ۱

خیانت بخشش ناپذیری کرده اند، که جز لعن و نفرین زحمتکشان و تاریخ، برایشان از مغانسی نخواهد بود.

زحمتکشان از دستاوردهای انقلاب که در خطرند، دفاع می کنند

بهمین علت هم لازم است، که مدام دست آورد های انقلاب را به یاد داشته باشیم و تکرار کنیم و برای حفظ آنها بکوشیم و در خاطره ها زنده نگه داریم، که انقلاب:

۵۰ هزار مستشار نظامی آمریکا را از ایران بیرون راند،

— رژیم سلطنتی — ساواکی را به زباله دان تاریخ انداخت، تا حقوق دیمکراتیک و آزادی های قانونی را برای خلق تامین کند،

— پیمان تجاویزی سنتو را بر نداشت، پایگاه های جاسوسی آمریکا را علیه کشور همسایه و دوست ایران و انقلاب آن بزرگید، جاسوسخانه امپریا — لیسیم آمریکا را تسخیر کرد و بست تا زمینه تحقق شعار استقلال واقعی را در میهن ما ایجاد کند، — بیش از ۷۰ درصد صنایع موجود در ایران را ملی کرد و از دست غارتگران کلان سرمایه دار و بزرگ مالک خارج کرد، بانکها، بیمه، معادن و غیره را ثروت عمومی اعلام کرد، شرکت های مختلط را بدور انداخت، درست به این منظور که پایه های اقتصادی استقلال واقعی جمهوری توپا را ایجاد کند،

— قانون اساسی ای را تدوین کرد و به تصویب خلق رساند، که با تمام کمبود های آن، زمینیه طفره رفتن از نظام غارتگرانه سرمایه داری را ایجاد می کرد و می توانست در طول زمان پایه های مادی و فنی تامین عدالت اجتماعی را برای خلق ایجاد کند.

آری اینها در کنار مجازات بخشی از سردمداران رژیم سلطنتی — ساواکی، افشا، و مبارزه با توطئه های متعدد امپریالیسم آمریکا و جانبازی برای دفاع از میهن انقلابی، دستاوردهای عظیم انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم میهن ما است، که نه فقط زحمتکشان آنها را فراموش نمی کنند، بلکه با تمام توان خود برای حفظ و تعمیق آنها نبرد کرده اند و خواهند کرد و نبرد انقلابی را تا تحکیم تزلزل ناپذیر آنها ادامه خواهند داد!

اما آنچه که شایان توجه است و پرداهای روی تسلیم طلبی مخالفان انتقاد بر میدارد آن است، که آنها بی که روزی با وعده ها و تعهدات خود، درست پایبندی خود را به این دستاوردهای انقلاب اعلام کردند و از این طریق اعتماد توده

با پول نفت، خرید های چند ده و چند صد میلیونی از "تالیوت" ها، که تالیوت های استقلال فنی و صنعتی میهن ما هستند، (۷) — افزایش حجم واردات کالا های امپریالیستی و کاهش صادرات غیر نفتی کشور، (۸)

— تلاشی برای برگرداندن امپریالیسم به میهن ما از پنجره "اسلامی" آن، یعنی بستن قرار داد های همه جانبه و استراتژیک اقتصادی با پاکستان و ترکیه، (۹)

— تشکیل کارتل ها و تراست های توزیع کالا به وسیله سرمایه داران بزرگ، (۱۰)

— زیر پا گذاشتن حقوق کارگران در برخورد آری از امنیت شغلی، حق بیمه، حداقل دستمزد، مرخصی با استفاده از حقوق و کوشش برای تثبیت قانون ضد کارگری دستپخت "موازیین شرعی" توکلی و شرکا!

— پس گرفتن زمین هایی که مستضعفین، برای ساختن سریناهای بموجب قانون "راضی موات شهری" دریافت کرده بودند، (۱۱)

— بی برنامگی مطلق در تأمین مسکن و سریناهای برای زحمتکشان و فراموشی سپردن تعهدات خود در این مورد، "شرعی" کردن و از این طریق سخت تر کردن وضع مستاجران بی پناه در مقابل موجران غارتگر به کمک قانون کذافی بدتر از زمان رژیم سلطنتی، (۱۲)

تسلیم طلبان مواضع اولیه خود را ترک کرده اند

آری، زحمتکشان میهن ما هر روز روشن تر و دقیق تر می بینند و با گوشت و پوست خود احساس و درک می کنند، که تسلیم طلبانی که امروز حق انتقاد را نیز از آنها سلب می کنند، تسلیم طلبانی که روزی خود وعده و تعهد تأمین میهن خواست های خلق انقلابی را داده بودند، با "تجریم" انتقاد، سند محکومیت خود را امضا می کنند، آنها در واقع با این "تجریم" ها، و با تعدیل ها در "تجریم" ها فقط یک چیز را نشان می دهند و پرده از روی یک واقعیت بر می کشند، و آن این است که آنها از مواضع اولیه خود دست کشیده اند، که آنها جهت گرایش خودشان را عوض کرده اند، که آنها تعهدات و عقاید خودشان را، همانند پیراهن بر چوب رخت آویزان کرده اند و فقط هر چند گاه در حرف و برای ریختن خاک بر چشم زحمتکشان آنرا به سر می کشند، ولی در عمل به راهی میروند، که عاقبتی جز تشدید وابستگی فنی — صنعتی — تجاری — مالی — نظامی و بالاخره سیاسی برای میهن ما بیار نخواهد آورد و شعار استقلال واقعی بقیه در صفحه ۱۰

های مردم را به خود جلب ساختند، انون هشدر و انتقادات و افشاگری ها را درباره نقض همین دستاوردها مجاز نمی دانند و آنها را "غیر منصفانه" قلمداد می سازند. زحمتکشان انتقاد دارند، دگراندیشان انتقاد دارند، مسلمانان مبارز، که همانند دیگر مدافعان دگر اندیشش انقلاب زیر فشار هستند و به سرکوبی خونین تر از گذشته تهدید می شوند، انتقاد دارند و افشا می کنند نقض همین دستاوردها را!

— زیر پا گذاشتن خواست انقلابی خلق در پایان دادن به اختناق رژیم سلطنتی — ساواکی، که اکنون در لباس "اسلامی" و "قانونی" آن، و به کمک دستگاه ساواک شاهنشاهی به وحشیانه ترین شکل آن تجدید شده است.

— زیر پا گذاشتن حق ابراز عقیده و بیان بسدون سانسور را، که اکنون به تفتیش قرون وسطایی عقاید طبق "موازیین شرعی" تبدیل شده است.

— زیر پا گذاشتن خواست خلق انقلابی بر ای پایان دادن ابدی به شکنجه روانی و بدنی، که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم تمهین شده است و اکنون بدست "سیا" چهپگان گننام و با نام به بربرمنشانه ترین وضعی علیه زندانیان تود های، سایر دگراندیشان و حتی مسلمانان مبارز اعمال می شود.

زیر پا گذاشتن خواست انقلابی مردم برای تأمین عدالت اجتماعی:

— جلوگیری از تقسیم اراضی بزرگ مالکی و سر — دمداران رژیم گذشته و حتی زمین های موات که به تصویب شورای انقلاب هم رسیده بود، (۱)

— باز پس گرفتن زمین هایی که دهقانان در اوایل انقلاب در پی قانون اصلاحات ارضی مصوب شورای انقلاب و به مدد هیئت های ۷ نفره واگذاری زمین دریافت کرده بودند، و تحویل آنها به فئودالها، (۲)

— باز پس دادن کارخانجات ملی شده به سرمایه داران فراری که به اصطلاح "صاحبان این واحد" ها بوده اند، (۳)

— پس دادن اموال مصادره شده ثروتمندان فراری که دوباره به ایران برمی گردند، (۴)

— تجدید قرار داد با شرکت مختلط پتروشیمی ایران و ژاپن، که در را پر همان پاشنه رژیم آریامهری می گرداند و حتی بدتر از آن، گرانتر از آن و وابسته تر از آن، (۵)

— کوشش برای دمدین جان در ادامه پروژه های "برق انمی" رژیم شاهنشاهی، که بر پایه نیاز کشورهای امپریالیستی برای صادرات به کشورهای وابسته و عقب نگه داشته شده و غارت منابع زیر زمینی و ارزی آنها واقع است، (۶)

— ادامه و حتی توسعه صنایع مونتاژ و وابسته

گسترش همبستگی بین‌المللی برای نجات جان زندانیان توده‌ای

بقیه از صفحه ۱

به این اعمال قساوت‌گراانه در مطبوعات این کشور انعکاس وسیعی داشته است.

تلاش گستردهٔ محافل مترقی آلمان فدرال، برای نجات جان زندانیان توده‌ای

تا کنون سازمانها و احزاب متعدد دی‌کم‌نست به دستگیری و شکنجهٔ رهبران و اعضای حزب تودهٔ ایران، اعتراض نموده و پشتیبانی خود را از حزب و زندانیان توده‌ای ابراز داشته‌اند، از اینجمله‌اند:

- ۱- حزب کمونیست آلمان فدرال بخش:
 - ایالت بایرن جنوبی ● فرابورگ ● بیلفلسد
 - اولد نورگ ● بیدن کف ● کاسل ● رایین لندفلز
 - دارمشتات ● بنز هایم ● اوپن باخ ● هاننور
 - گیسن ● هاناو ● اشپورن ● کارلسروهه ● آخن
 - ایمز بوتل ● یادن ووتنبرگ ● گوتینگن ● هامبورگ
 - واند سیک ● فرانکفورت ● ساکسن هاوزن ● مونیخ
 - نوی هاوزن ● مونیخ - زود بایرن ● مونیخ زمینس
 - اوست ● مونیخ - نوی پرلاخ ● ترود رینگ ● ماینز-راین
 - آلتونا ● هسیشه لیشنوا

- ۲- جوانان کارگر سوسیالیست آلمان در ایالات و شهرهای مختلف آلمان فدرال
- ۳- اتحادیه دانشجویان فارگسیست آلمان
- ۴- اتحادیه دانشجویان سوسیالیست آلمان
- ۵- اتحادیه ضد فاشیستها در آلمان
- ۶- اتحادیه آلمانی صلح
- ۷- سند یگای علم و تربیت آلمان فدرال
- ۸- پارلمانهای دانشگاههای شهرهای مختلف آلمان فدرال
- ۹- اتحادیه دانشجویان کرد در اروپا - بخش آلمان فدرال
- ۱۰- کمیته برقراری صلح "خاور نزدیک" شعبه های مختلف آلمان فدرال

همبستگی دوستانهٔ ایران در ایالات متحده بازندانین توده‌ای

روز جمعه بیستم ماه مه، بابتکار "انجمن دوستان آمریکائی ایران انقلابی" (افسری)، مراسمی با شرکت جمعی از افراد و نیروهای مترقی آمریکائی، فلسطینی، یونانی، عراقی و شیلیایی، بمنظور دفاع از رهبران زندانی حزب تودهٔ ایران و افشای جنایات و شکنجه‌های اعمال شده در مورد این رفقا، در شهر شیکاگو برگزار گردید. در این مراسم پس از بررسی اوضاع ایران و نقش حزب در پیشبرد انقلاب و حملهٔ راستگرایان به دستاوردهای انقلاب و به حزب مدافع حقوق زحمتکشان، پرفسور استرلینگ تلامپ، استناد دانشگاه الینویز، شعری را که در وصف جنبش کارگری و حزب تودهٔ ایران سروده بود، قرائت

تظاهرات همبستگی بازندانین توده‌ای در مقابل سفارت ج.ا.ا. در لندن

روز جمعه سوم ژوئن، تظاهراتی با شرکت سازمان جوانان و دانشجویان ایران (ادیسی) و تعدادی از احزاب و سازمانهای مترقی در مقابل سفارت ج.ا.ا. در لندن صورت گرفت. تظاهر کنندگان، پلاکاردهائی در زمینهٔ محکوم ساختن روند حرکت بسوی استقرار یک حکومت دست راستی فاشیستی، سرکوب میهن پرستان در ایران و نگویش شیوه‌های ردیلانه اعمال تصویق علیه میهن پرستان و پیوسته اعضای حزب تودهٔ ایران، در دست داشتند، و در پایان، نامه‌ای بامضای سازمانهای شرکت کننده در تظاهرات، تسلیم سفارت گردید.

بقیه در صفحه ۱۱

کرد و آنگاه اسماعیل اسلوری، عضو کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست ایالات متحده خواست‌های گسترده هم آیینی و از جمله اعزام هیأت ناظر بی طرف بایران، جهت دیدار از زندانیان و بررسی وضع آنان و شکنجه‌های اعمال شده در مورد ایشان را مطرح و حاضرین را به شرکت فعال در اقدامات جهت نجات جان رفقای در بند از مرگ حتمی، دعوت نمود.

سازمانهای زیر در منطقه شرق ایالات متحده آمریکا بمنظور اعتراض به دستگیری و شکنجهٔ رهبران و اعضای حزب تودهٔ ایران، تلگرام‌هایی به مقامات مسئول در حاکمیت ج.ا.ا. و سفارت ایران در واشنگتن ارسال داشته‌اند:

- اتحادیهٔ بین‌المللی زنان برای صلح و آزادی
- انجمن بین‌المللی حقوقدانان دمکرات
- کنفرانس بین‌المللی حقوقدانان سیاه پوست
- انجمن سیاه پوستان کنگره آمریکا ● سازمان عفو بین‌المللی ● کمیته دستداران گایانا آزاد



کنفرانس های مطبوعاتی در پایتخت های اروپا، جنایات حاکمیت راستگرا را افشان نمودند

از رفقای حزب توده ایران، مطالبی در باره اوضاع کنونی کشور، چگونگی ترکیب نیروها در حاکمیت جمهوری اسلامی و دلایل حمله به حزب توده ایران، به سمع حضار رسانید. پس از آن رفیق دیگری، چگونگی کسب "اقرار" تلویزیونی را از نظر پزشکان و متخصصین سوئدی و خارجی، تشریح نمود و از جمله، نظر پیک روانزشک درباره "اقرار" سه تن از اعضای سازمان "میر" در تلویزیون شیلی را که بدنیال آن، هر سه آنان ناپدید شدند، بیان کرد.

نمایش ویدئو فیلم "اقرار" تلویزیونی، حیرت و نگرانی شدید حضار را برانگیخت و اینگرید لیندن، روانزشک عضو سازمان عفو بین المللی، شاخه سوئد، پس از دیدن آن، نظر خود را در مورد کسب "اقرار" از رفقای توده های تحت فشار شکنجه بیان کرد. بنا بر نظر یکی از فیلمبرداران برجسته سوئدی که فیلم را دیده بود، روشن بود که این مبارزین، به اراده خود سخن نمی گویند و در حالتی اجباری، کلمات را برزین می آورند. آنگاه خواستهای "کمیته دفاع از زندانیان توده های، بخش سوئد، بترتیب زیر مطرح گردید:

۱- کسب اجازه ورود به ایران، جهت اعزام یک کمیسیون بی طرف بین المللی، مرکب از پزشکان، روانزشکان، حقوقدانان و خبرنگاران بمنظور بررسی وضع زندانیان توده های.

۲- تحقیق در مورد وضع این زندانیان و گفتگو با آنان، با حضور وکلای منتخب ایشان.

۳- تشکیل دادگاه های علنی یا نظارت بیسن المللی.

۴- منع هرگونه شکنجه و آزار اعضا حزب توده ایران و دیگر نیروهای میهن پرست و آزاد بخواه.

دو تن از حقوقدانان سوئدی حاضر در جلسه بنامهای پرشی پراسیت و پوک اسن، توضیحاتی را جمع به تشکیل کمیته بین المللی دفاع از زندانیان توده های، در جلسه تکمیل شده در دوسلدورف به سمع حضار رسانیدند. و بخشی از نامه دبیر بخش سوئدی کمیسیون بین المللی حقوق انسان و رئیس کانون وکلای سوئد، بخش استکهلم حاضر در جلسه دوسلدورف، مورد شیوه کسب "اعترافات" از مبارزین توده های بکمدارو، و شباهت آن با شیوه های بکار گرفته شده در مورد مبارزین دیگر کشورها و تأکید بر این امر که باید کاری کرد تا بکار بردن این شیوه های حیوانسی از این پس، در جهان منسوخ گردد، قرائت شد. جلسه با تأیید خواستهای کمیته دفاع از زندانیان توده های و اقدام هر چه سریعتر جهت نجات جان آنان، به پایان رسید.

بقیه در صفحه ۵

حاضرین تشکیل و آمادگی خود را جهت اعزام بایران، اعلام داشت. بنا بر پیشنهاد دبیر هاینس دیکس، قاضی دادگاه عالی فرانکفورت، و با تأیید حاضرین در جلسه، سازمان ضد فاشیستها و "انجمن حقوقدانان دیکسرات آلمان"، معرفین این هیأت شناخته شدند.

در پایان جلسه، هیأت اعزامی، متن درخواست کسب روافضد، ایران، بمنظور بررسی وضع زندانیان را تهیه و از طریق تلکس با اطلاع سفارت جمهوری اسلامی ایران در پسن رسانید.

در متن فوق الذکر، پس از اشاره به دستگیری رهبران حزب توده ایران و مسئولین سند - یكاهای کارگری در بهمن ماه سال گذشته، شکنجه و آزار ایشان و نمایش "اعترافات" تلویزیونی، در مورد سلامت این مبارزین ابراز نگرانی شده و سپس قید گردیده است که آگهی فوت حسن حسین پور تبریزی در روزنامه های ایران، که وی نیز همانند این عده، روز هفدهم بهمن ماه دستگیر گردیده، نگرانی آنان را تشدید نموده و این هیأت مایل است، طی مسافرت به ایران، به بررسی وضع این زندانیان، چه از نظر پزشکی و چه از نظر حقوقی بپردازد.

هیئت فوق مرکب است از:

- ۱- کورت ارباخ، دبیر کل سازمان ضد فاشیستها
- ۲- هانس پنس، نایب رئیس این سازمان
- ۳- دکتر یورگن رد هارت، پرفسور در الهیات
- ۴- دکتر هاینس دیکس، قاضی دادگاه عالی فرانکفورت
- ۵- پرفسور دکتر هانس ماوسباخ، پزشک
- ۶- کارل هاینس وایدنهار، وکیل دعاوی
- ۷- یواخیم شوام بورن، وکیل دعاوی
- ۸- پرفسور دکتر نرمن پش، حقوقدان
- ۹- فرنر شترت سنباخ، روزنامه نگار
- ۱۰- دکتر وینفرد پیک، پزشک

خبر تشکیل جلسه فوق، در مطبوعات مترقی آلمان، انعکاس وسیعی داشته است و روزنامه ها بدرج مطالب مطرحه در جلسه، تشکیل هیئت اعزامی و اطلاعیه مطبوعاتی "کمیته همبستگی با ایران" در این باره برداخته اند.

استکهلم

استکهلم، جمعه دهم ژوئن (۲۰ خرداد ماه)

در این روز کنفرانسی مطبوعاتی، با شرکت خبرنگاران رسانه های خبری سوئد، از جمله پسر تیراژترین روزنامه های صبح این کشور، خبرنگارهای خارجی، نمایندگان کمیته صلح، احزاب و سازمان های دیکرانتیک سوئد تشکیل شد. در ابتدا یکی

همانگونه که خوانندگان "راه توده" بخاطر دارند، کمیته دفاع بین المللی از زندانیان توده های "مرکب از نمایندگان احزاب و سازمان های دیکرانتیک، حقوقدانان و روزنامه نگاران مترقی در تاریخ ۲۱ ماه مه امسال که در دوسلدورف پایه گذاری شد، اقدام به برنامه ریزی یک سلسله فعالیت های عاجل، جهت نجات جان رفقای توده های در بند از شکنجه های حکومت جمهوری اسلامی نمود. یکی از این اقدامات، برگزاری کنفرانس های بین المللی در پایتخت های کشورهای اروپایی است که شرح آن، در مورد کشورهای یونان و فرانسه، قبلا به اطلاع خوانندگان رسید و در زیر گزارش کنفرانس های که بترتیب در کشورهای آلمان فدرال (فرانکفورت) و سوئد (استکهلم) و لندن برگزار گردیده است، درج می گردد.

آلمان فدرال

فرانکفورت، پنجشنبه، نهم ماه ژوئن (۱۹ خرداد ماه)

این جلسه با شرکت شخصیت های علمی، حقوقدانان، مبارزان ضد فاشیست، خبرنگاران آلمانی، نمایندگان کمیته همبستگی با ایران و "حزب توده ایران" برگزار گردید. در ابتدا، نماینده حزب توده ایران، پیرامون روند کنونی انقلاب ایران، هجوم راستگرایان به دستاورد های مردمی این انقلاب و در این چارچوب، تهاجم علیه حزب توده ایران و پیگرد، بازداشت و شکنجه رهبران و اعضای آن سخنانی ایراد کرد و بعنوان آخرین خبر واصله کشته شدن رفیق حسن حسین پور تبریزی، از رهبران یا سابقه جنبش کارگری و یاران وفادار حزب را در زیر شکنجه ذکر نمود. پس از این سخنان، ویدئو فیلم تلویزیونی "اقرار" رهبران حزب بنمایش گزارده شد که حضار را تحت تأثیر قرار داد و سپس میثاق ابرسکالسی، روزنامه نگار و عضو "کمیته همبستگی با ایران" اطلاعات جامعی، پیرامون کوشش های سازمان های جاسوسی کشورهای امپریالیستی و در رأس آن "سیا" در بکار گیری داروهای شیمیایی گوناگون، همزمان با شکنجه های جسمی و روانی، بمنظور مختل نمودن سیستم عصبی قربانیان و کسب "اقرار" از آنان، در اختیار حضار قرار داد.

در بحث پایانی، کلیه حاضرین، متفقا لزوم رسیدگی فوری بوضع این قربانیان شکنجه های حیوانی درخیمان جمهوری اسلامی، از طریق هیأتها و سازمان های بین المللی را تأکید نموده و بلاد رنگ هیأتی مرکب از ده نفر پزشک، حقوقدان، روزنامه نگار، شخصیت مذهبی و قضائی، از میان

عقب نشینی همچنان ادامه دارد!

بودند، و در اروپا و آمریکا ولو بودند، در این اواخر با شور و شغف در حال بازگشت به وطن عزیز - شان لا ایران هستند.

حال ببینیم برای " مردم " واقعی، زحمتکشان که حزب توده " ایران از آنها دفاع می کند، و بهمین خاطر زیر حملات دد منشا نه واقع شده است، چه کاری انجام شده؟ آقای نخست وزیر در افاضا تیشان میفرمایند: " بعضی موضوعات هستند که نباید (تأکید از ماست) از ستاد پیگیری خواسته شوند، بعنوان مثال در رابطه با تخلفاتی که احیاناً در امر توزیع و مسایل اقتصادی وجود دارند. " بعبارت دیگر باید " تخلفات در امر توزیع " را به خود وزارت بازرگانی و شخص آقای وزیر حامی آهن خوران (پوراستاد) و شیشه خوران (خاموشی) حواله کرد و " مسائل اقتصادی " را هم به دست همان کلان سرمایه ازان و نمایندگان شان در وزارت خا - نها و نهاد های مربوطه سپرد ازیرا بنابه گفته " آقای نخست وزیر در همان جلسه: " اینکه ستاد میتواند با مسئله گرانی و تورم مبارزه کند یا نه، این مطلبی است که ... احتیاج به تحلیل عمیقتری دارد. " بعبارت دیگر باز باید به توصیه آقای رئیس جمهور سمیناری تشکیل داد تا ایشان در آن با سری افزاشته و سینطای فراخ، همانند توصیه شان در مورد قانون کار " اسلامی " بگویند: در قرآن و روایات ... جستجو کنید تا راه حل " شرعی " آن را بیابید!

بلی، اینست پایان ترازوی تعهدات آنهاست که از اعتقاد خلق به قیمت همان تعهدات بسر - خوردار شدند!

پرواضح است که سرمایه داری وابسته و فاسد که دیگر مسلط شده است، قصد دارد از خلیق انقلابی میهن ما انتقام بگیرد و می کوشد اینکار را با دست همانهایی که زمانی با وعده هایشان بخلیق، اعتمادیان را بدست آورده، انجام دهد. در تأکید بیشتر این سیاست، یعنی سیاست اطفاء آتش انقلابی زحمتکشان میهن ما، آقای امامی کاشانی عضو سوم " ستاد پیگیری " می - افزاید: " چند مسئله هست که همه باید به آن توجه داشته باشند: یکی آنکه امیدی که ستاد به مردم داد، و باعث بالا بردن توقعات مردم (توجه می کنید، که دیگر از مستضعفان صحبتی نیست!) شده که این امر نیز سبب شد که حتی کارهایی که به ستاد مربوط نیستند به آن ارجاع شوند. " این آقایان اگر امروز کم حافظه شده اند و درخواستهای حقه " مردم " را " توقعات " میدانند، در روز که رأی اعتماد از آنها می گرفتند خود را موافق این " توقعات " نشان داده بپو - دند. اتفاقاً اموری که زحمتکشان ما با آن دست به گریبانند و خواستار حل آنها هستند، درست همین مسائل گرانی، تورم، تضییقات به حقوق فردی و اجتماعی آنان و خلاصه اموری است که دیگر رنگ و بویی برای تسلیم طلیان ندارند و از زمره " توقعات " می باشند.

اردیبهشت، در رادیو تلویزیون مقابل جشنی گوش میلیونها نفر که جمع شده بودند تا ببینند و بشنوند چه اقداماتی برای رفع محرومیت ها انجام گرفته و یا در حال انجام است، شنیدند و دیدند که دیگر در دستور کار این " ستاد " پیگیری قا - نون شکنی ها وجود ندارد. البته ضد انقلابیون فراری و فئودالها از لغو " قانون شکنی " هائی که در حقشان شده بود! بی نصیب نبودند، و اموال " بسیارشان بازپس داده شد. " آقای رئیس دیوانعالی در این زمینه گفت: " این مسئله (استرداد اموال ضد انقلابیون و فراری ها) که مشکل بسیار پیچیده ای شده بود تا حد بسیار زیادی مرتفع شده و اموالی که غیر قانونی توقیف شده بودند به صاحبانشان مسترد شده اند. " بی جهت نیست که " مردمی " که از انقلاب گریخته

کوه موش زائید! بالاخره بعد از ۵ ماه که زحمتکشان انقلابی میهن ما چشم انتظار احقاق حقوقشان توسط " ستاد پیگیری فرمان ۸ مادای " که قرار بود، بالاخره اجرای قانون را تضمین کند، شا - هد اعلام مرگ آن شدند.

جواز دفن این " ستاد پیگیری " و در واقع جواز دفن امیدی که در زحمتکشان میهن ما ایجاد شده بود، با اعلام انتقال وظایف این ستاد به قوه قضائیه، صادر شد. همان قوه ای که به گفته همین آقایانی که امروز تسلیم شده اند، غیر انقلابی بود و برای مقابله با آن دستگا ههای عریض و ظریفی " دادگا ههای انقلاب اسلامی " و " شورای عالی قضایی " و انواع و اقسام نهاد های قضایی تا - سیس شد. گردانندگان این ستاد پیگیری در روز ۲۸

کنفرانس های مطبوعاتی در پایتخت های اروپا جنایات حاکمیت راستگرا را افشان نمودند

بقیه از صفحه ۴
لندن

با همین پرچم به میدان آمده و به همان دلیل، توده های میلیونی را به خود جلب نموده بودند، اما اینک از این اهداف، رو برگرداند ماند. وی در پایان به سوالات نمایندگان خبر - گزارها و حضار، پاسخ گفت.

سخنران بعدی آقای جرمن اسمیت وکیل انگلیسی بود، که در دوره " قبل سمت ریاست " جامعه " وکلای ترقی انگلیس " را عهده دار بوده است، وی با خواندن متن موادی از قانون اساسی ج ۱۰۱۰، منجمله اصول ۳۲، ۳۴، ۳۸، تأکید کرد: " اصالت تضییقات طبقه حزب توده " ایران، نه تنها ناقض کلیه " معیارهای انسانی و حقوق بشر و قوانین بین المللی است، بلکه ناقض قانون اساسی خود کشور نیز میباشد. وی به خواست به حق تمام نیروهای مدافع حقوق بشر مبنی بر اعزاز هیئت ناظر بین المللی به ایران جهت دیدار از زندانیان تودهای، اشاره نمود و از دولت جمهوری اسلامی خواست که اجازه ورود به کشور را به این هیئت بدهد. پس از آن آقای میثاقیل اهرسکالسی، روزنامه نگار آلمانی، متخص در امر فعالیت های " سیا " در آمریکای لاتین و خاور میانه، که تا کنون سه کتاب در این باره، از جمله دو کتاب در باره " ایران نوشته است، با ارائه " آمار و ارقام و وقایح مشابه در جهان، توجه حضار را به جنایات " سیا " در مورد مبارزین تودهای، جلب نمود.

سپس قسمتهائی از فیلم تلویزیونی " اقرار " نمایش داده شده، که در آن آثار شکنجه و ظلم صورت رفیق کیانوری به خوبی مشهود بود. پسک روانپزشک، ضمن بیان نظرات خود اظهار داشت که با مشاهده " این فیلم وی حتی احتمال عملی جراحی مغز را نیز قوی می داند و فلج صورت نیز می تواند یکی از اثرات جانبی آن باشد. دکتر فرید من، که به نمایندگی از طرف جامعه " پزشکان سوسیالیست در کنفرانس شرکت نموده، بقیه در صفحه ۱۶

لندن، پنجشنبه شانزدهم ژوئن (۲۶ خرداد ماه) در کنفرانس مطبوعاتی تکلیف شده در لندن، نمایندگان رسانه های گروهی و مطبوعات، منجمله خبرگزاریهای رهتر، یونایتد پرس انترناسیونال، نویستی و خبرنگاران روزنامه ها و مجلات میدل ایست، اکونومیست، دیپجست، مریونینگ استار، نیو ورکر، سوویت ویکلی، اتحاد، ارگان هری حزب کمونیست اسرائیل و روزنامه " پر خواننده " یونانی زبان لندن، نمایندگان سازمان های مترقی و اتحادیه های کارگری، از جمله نماینده " اتحادیه کارکنان و تکنسین های صنعت سینما، نماینده " جامعه " پزشکان سوسیالیست و نماینده " سازمان ضو بین المللی شرکت داشتند. در آغاز پتر دافی، دبیر کل " کمیته " دفاع از انقلاب ایران " و ضو اتحادیه " کارکنان صنعت تنباکو، ضمن شرح مختصری از مبارزات مردم ایران و نیروهای مترقی در جریان انقلاب و طی ۴ سال پس از پیروزی، به تغییرات تناسب نیروها اشاره نموده و نقش و وظیفه " همی که نیروهای مترقی جهان و بیوه جنبش کارگری کشورهای سرمایه داری در همبستگی با مردم ایران و در شرایط فعلی بیوه یا زندانیان تودمی به عهده دارند، را بر شمرد.

سپس رفیق باقر لاجوردی، نماینده " کمیته " مرکزی حزب توده " ایران، طی سخنان خود، ضمن رد اتهامات " سیا " ساخته، در مورد مبارزین حزب توده " ایران، دلیل اساسی حمله به حزب را، " جذب و جلب شدن هر چه وسیعتر توده " مردم، به حول تنها محوری کسه هنوز پرچم انقلاب ضدامپریالیستی و مردم می بهمن ماه ۵۷ را برافراشته نگاه داشته است، یعنی حزب توده " ایران، " ارزبایی نمود و حمله را از طرف نیروهای دانست که خود زمانی

پیروزی از آن حزب توده ایران است

— بالاخره با کور کردن منطق انقلابی خلق ما که این سیاستهای خائنانه را بحق زیر علامت سوآل برد ماند، پایههای سرمایه داری وابسته به امپریالیسم و در رأس آن امپریالیسم آمریکا را تحکیم کنند، رژیم شاهنشاهی بدون شاه و پلیس به " مذهب " را مسلط سازند .
نه، این " استدلالها " را مردم انقلابی ما نمی پذیرند! نمی پذیرند! صد بار هم نمی پذیرند!

اگر این منطق پذیرفته میشد نیازی به براندازی رژیم شاه نبود، نیازی به انقلاب شکوهمند ۲۴ بهمن نبود، نیازی به دادن ۱۰۰ هزار شهید نبود، نیازی نبود که در مقابل ارتش متجاوز صدام، صدها هزار شهید و مجروح و میلیونها نفر آواره بشوند .

تمام این باصطلاح سیاستهای راستگرایان و تسلیم طلبان و ثنوری با فان آنها آشکارا ناقض اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی است که مشعر بر تحکیم اقتصاد دولتی و تعاونی بعنوان پایه و محور فعالیت های عده اقتصادی کشور و نقش مکمل بخش خصوصی است. بگواه تاریخ پرافتخار ۶۶ ساله دولت اتحاد شوروی، سیاست های انقلابی آن کشور در رابطه با کشور های امپریالیستی، کمک به پایه ریزی قویترین اقتصاد دولتی و تعاونی جهان در خدمت زحمتکشان کرده است. در صورتیکه گرایش " سیاست " حاکمیت راستگرایان و تسلیم طلبان در جمهوری اسلامی ایران هر روز بیشتر در خدمت بخش خصوصی، یعنی سرمایه داری وابسته به امپریالیسم حرکت می کند .

منطق انقلاب

مارکسیسم واقعی، و نه آن مارکسیسم قلب شده که دشمنان کینه توز ولی کودن آن قصد بهره برداری از آن را دارند، همان برنامه حزب توده ایران است که برای یکایک مسایل و مشکلات جامعه ما راه حل خلقی و انقلابی ارائه می کند و تأمین کننده استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی مصرحه در قانون اساسی جمهوری اسلامی است. این مارکسیسم مقبول توده های محروم شهر و ده و در برگیرنده اساسیترین اهداف سیاسی - اقتصادی انقلابیون صلحمان است. خشم و غضب مدافعین سرمایه و ارتجاع و تسلیم طلبان در مورد حزب توده ایران هم ناشی از نفوذ روز افزون اندیشه حزب ما در میان مردم زحمتکش و انقلابی مینهن ماست .

باصطلاح " پیروزی " بر حزب ما، تنها پیش درآمد پیروزی اندیشه های کبیر حزب ماست . ترس خائنان واقعی نیز از همین است! پیروزی دور نیست!

جمهوری اسلامی تجویز شده است، یکی قلمداد کرده و آنرا توجیه کنند .

— سیاست در یوزگی و نوکری به درگاه امپریالیسم ژاپن و پرداخت چندین برابر قیمت واقعی برای ساختمان پروژه پتروشیمی را، با تلاش دولت شوروی در سالهای اولیه رشدش برای شکستن چپه براندازی امپریالیستی و کسب تکنولوژی پیشرفته یکی قلمداد کرده و آنرا توجیه کنند! یعنی میخواهند تلاش برای وارد کردن ژاپن و اروپای غربی را که بوسیله بنی صدر تعقیب میشد، بجای اجرای یک برنامه همه جانبه صنعتی کردن کشور بخورد مردم بدهند .

— سیاست اختصاص یک سوم درآمد کل کشور به سرمایه داران (اعطای ۸۵۰ میلیارد ریال به بخش خصوصی) را، با بهره گیری دولت شوروی در سالهای ۱۹۲۰، از تجربه و سرمایه سرمایه دارانی که مجبور بودند تحت نظارت دولت و بدت محدود و در بخش های غیرمستعد اقتصادی فعال باشند، با آنچه که در جمهوری اسلامی حاکم است، یعنی تسلط روز افزون سرمایه داران و مالکیت های بزرگ " مشروع " و نامحدود بر حاکمیت جمهوری اسلامی یکی قلمداد کرده و آنرا توجیه کنند .

بقیه از صفحه ۱
اعتبار و ارزشی نزد زحمتکشان مینهن ما برخوردار است که حتی " مغزهای " پشت پردمای کسه این ارکستر موزیانه و در عین حال ناشیانه را رهبری می کنند به آن اعتراف دارند و میخواهند بزم خود از آن بهره گیری کنند و برای خیانت خود دست و پای " اعتبار " کنند!

منطق خیانت

در روی لجن پراکنی به حزب توده ایران، قصد این نوشته ها آنست که:

— آستانبوسی پایتخت های کشورهای امپریالیستی توسط سفیرای جمهوری اسلامی را، که در جریان کنفرانس سران ۷ کشور عده امپریالیستی در ویلیامسبورگ افشاء شد، با تلاش اتحاد شوروی برای ایجاد روابط مسالمت آمیز با دول امپریالیستی، بمنظور بند زدن بر وحشیگریهای امپریالیسم و جلوگیری از جنگ های جهانی وهستهای یکی قلمداد کرده و آنرا توجیه کنند .
— " سیاست " تبدیل ایران به بازار کالاهای خارجی و تخریب تولید داخلی را بجای رابطه برابر حقوق اقتصادی اتحاد شوروی و کشورهای امپریالیستی، که مشابه آن در برنامه حزب توده ایران و همچنین قانون اساسی

سخنی چند پیرامون مصاحبه مطبوعاتی

بقیه از صفحه ۹

شکنجه گر و بر رأس آنان سرلشکر فردوست سر شکنجه گر شاه هم اکنون در خدمت جمهوری اسلامی نیستند؟ آیا ابزار مدرن شکنجه خریداری شده از ایالات متحده آمریکا و آلمان غربی در زمان شاه دوباره به آن کشورها بازگردانده شده است؟ سرفقاله نویس " اطلاعات " به این سوالات پاسخ نمی دهد، او هم به تقلید از نخست وزیر می نویسد: " راستی مگر جز اینست که انقلاب ما فی نفسه و فی حد ذاته نیرومند و " دشمن شکن " و اعتراف گیر است؟ " هم نخست وزیر و هم " اطلاعات " بی جهت پای خدا و قرآن و مکتب و انقلاب را به میان می کشند. " علییات شهید بهشتی " و یا یورش فاشیستی به حزب توده ایران، با کمک سازمانهای جاسوسی آمریکا و انگلستان و اسرائیل طرح ریزی و به دست ساواکیهای در خدمت جمهوری اسلامی بموقع اجرا گذارده شده است. به عقیده ناظران سیاسی تبلیغات گسترده پیرامون " علییات شهید بهشتی " که بگفته فرمانده کل سپاه، قبل از " علییات والفجر " آغاز شد و رجزخوانیها درباره سربازان با نام و گمنام و غیره برای پسانا بردن وجهه در حال اقبل فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران ضرورت داشت .

" کشاندن " قربانیان به پشت میز اقرار جهشت نوشتن " اعتراف " از گستاخ و در خور تأمل است. بهر حال همان شیوهها هستند، که امروز با وجود مد رنیزه شدن نشان، کمکان به " افتخار " مبتکرین آن به " شیوه های فاشیستی شکنجه " معروف اند . این گونه شکنجهها در ایران بی سابقه نیست . سرفقاله نویس " اطلاعات " در پاسخ به اعتراض علیه شکنجه تود مایها، منکر وجود سیستم های مدرن و پیچیده پلیسی و امنیتی بازجویی جمهوری اسلامی است. ولی مؤلف سرفقاله تأیید می کند که رژیم ضد مردمی شاه " آخرین و قویترین شیوهها و تجربه های مدرن پلیسی و امنیتی بازجویی را در اختیار داشت " وی حتی سیستم شکنجه رایج در ساواک را دقیقاً توضیح داده می نویسد که ساواک قربانیان را " در سده ترین و تنگ ترین سلولها حبس می کرد، پیچیده ترین و طولانی ترین و شکنندترین ابزار شکنجه جسمی و روحی را بکار می برد، ظریفترین و گسیج کننده ترین شیوه های بازجویی " را اعمال می کرد (اطلاعات ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲) آیا اعمال کنندگان این شیوه های فاشیستی ضد بشری باز پرسان ساواک با القاب " دکتر " و " مهندس " نبودند؟ آیا همان " دکترها " و " مهندسیان "

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

۱۰ سال از شهادت رفیق پرویز حکمت جو عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران گذشت

روزی که «پرویز» اسطوره شد...



حزب توده ایران، توانست از ایران خارج شود. در سال ۱۳۴۳ رفیق حکمت جو همسراه رفیق علی خاوری برای تجدید سازمان حزب توده ایران بوطن بازگشت و مدتی بعد هر دو دستگیر شدند.

پیداگاه شاه خاتین تریبون تازه‌ای بسرای ادامه نبرد با رژیم جنایت پیشه بود. در محاصره سرنیزه‌های شاه مخلوع، رژیم هر دو رفیق را بسه محاکمه کشید و به اعدام محکوم کرد. فشار افکار عمومی و مبارزه پیگیر حزب در ایران و خارج حکم را به حبس ابد تبدیل کرد. درخیم به تلافی این عقب نشینی اجباری، تصمیم گرفت پرویز را زیر شکنجه‌های قرون وسطائی، از او یک پهلوان اسطوره‌ای بزیز بکشد. از این پس تا ۲۵ خرداد ۱۳۵۳، نبرد بی‌امان رفیق حکمت جو با درخیمان در زندان ادامه پیدا کرد و در این روز رفیق حکمت جو این نبرد آخر را هم فتح کرد و با نثار خون خویش اسطوره‌های دیگر به تاریخ پرافتخار مبارزات خلق‌های ایران افزود.

مادر حکمت جو درباره آخرین ملاقاتش با او میگوید:
"۶ اردیبهشت ملاقات داشتیم. پرویز خوشحال بود. نگاه از نگاه بر نمی‌داشت. بر خلاف همیشه نمی‌خواستیم از هم جدا شویم. پرویز میگفت: تو از اینجا تا ویتنام مادی. تو نباید گریه کنی، مادر. آنروز او آخرین زندانی بود که رفت. ملاقات بعدی ۲۳ اردیبهشت بود. آنروز نگهبان گفت، پرویز نیست. پرسیدم کجاست؟ گفت: ۳ شب است او را برای بازجویی به کمیته بردمانند. روز ۲۴ خرداد در روزنامه آیتدگان خبری کوتاه انتشار داد که پرویز حکمت جو به مرض اوره فوت کرده است. این خبر را به دخترم میگویند. او به ساواک

رهروان قافله خونین تودم‌های ما، بیش از ۱۰ سال رزمیدند، شهید شدند و پرچم خونین انقلاب را برای تداوم نبرد بی‌امان با امپریالیسم و ایادی د اخلیش، برافراشته نگاه داشتند و با فرساده خونین خویش آنرا به رزمندگی دیگری سپردند. پرویز حکمت جو از جمله کسانی بود که این تاریخ خجسته رزم و ایثار را که ز پیشمنیان برجای مانده بود. بردوش گرفت و به آیندگان سپرد و برماست که در اهتزاز آن بکوشیم. ۱۰ سال از شهادت یکی از بهترین فرزندان خلق ایران، یکی از قهرمانان تانینساک جنبش کارگری و کمونیستی ایران، رفیق شهید پرویز حکمت جو، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، در زیر شکنجه‌های وحشیانه جلادان شاه مخلوع میگذرد. ۱۰ سال پیش در چنین روزهایی جلادان شاه مخلوع رفیق حکمت جو را، بعد از ۹ سال زندان، یار دیگر به شکنجه گاه بردند. دشمن در قامت تاور پرویز آیندگی شکوفایی را میدید که از اعماق تاریکی خوفناک آریامهری سر برمیگشاید و آیندگی پیروزی خلق را نوید میداد. دشمن میخواست آن سرخجسته را، که پیش هیچ زوری خم نمیشد، فرود بیاورد. دشمن همه توان خود را بکار گرفت و زیر وحشیانه ترین شکنجه‌ها پیکر حکمت جو را در همشکست. دو خیمن‌گهرشرا شکسته و استخوانهایش را در هم پیچیدند اما از او هرگز فریادی غیر از:

— زنده باد ایران
— زنده باد حزب توده ایران

نشنیدند.

رفیق شهید پرویز حکمت جو در سال ۱۳۰۶ در یک خانواده روشنفکر متوسط دنیا آمد. او در سال ۱۳۲۱ به سازمان افسری حزب توده ایران پیوست و پس از لو رفتن سازمان افسری

آخرین پرواز...

مراجعه میکند. که میگویند پرویز در بیمارستان فوت کرده. در سردخانه بیمارستان بهار، جنازه پرویز را روی یک لنگه در گذاشته بودند و ریه‌های کوتاهی روی آن کشیده بودند. دخترم میخواهد ریه‌هایش را کنار بزند، زندی پور، رسولی و تهران‌سی جلادان ساواک که حضور داشتند، میگویند فقط میتوانی صورت او را ببینی و برادرت را بشناسی. ریه‌های او را از روی صورت پرویز کنار میزند. دو طرف کبچ گاه او دو علامت سوختگی وجود داشته. دخترم به پاهایش نگاه می‌کند، ناخنهای پا تا بالا قیر سیاه بوده است. جلادان میپرسند: آثار شکنجه‌ها وجود ندارد؟ دخترم جواب میدهد: تاریخ باید در این باره قضاوت کند. در همین سالگرد شهادت رفیق پرویز حکمت جو، تودم‌های ما با خون رفیق شهید خود بقیه در صفحه ۱۶

خرداد سال ۵۴، رفیق حکمت جو را از زندان قصر به‌سایر ۱۴ بند ۴ کمیته آوردند. ابتدا نمی‌دانستیم زندانی سلول مجاور کیست. ولی خیلی زود، غرش رعبد آسایش، در برابر دوخیان قهر قدرت، ما را متوجه کرد که این عقاب، ... «افسر خلبان»... پس از ده سال شکنجه و تبعیض... به‌صفت بازگشته است. قرار نداشت. از ستر خشم تودم‌هایش پرویز محبس آتش می‌کرد و نگهبانان یارای کنترل او را نداشتند. شیری بود که در قفس نمی‌کنجید... ضایع در فضای بند می‌پیچید که: از آن به دیر مقام عزیز می‌دارند

نگهبان بند از پاسنهای قدیمی آشنا بود. می‌دید که خوابان نمی‌برد. آمد. در سلول را باز کرد. نشست. ساکت بود. سیگاری آتش کرد و ما را به‌دستویی فرستاد. برگشتیم. با احتیاط از او پرسیدیم: «سلول بظنی چی شده؟» نگاه شیشه‌وارش در دل‌مان شکست. جواب نداد. رفت. در سلول را بست و رفت. صبح که پستش تمام شده بود، آمد برای خداحافظی و گفت: «دیگر هیچوقت سراغ آن خلبان را نگیر!» و این آخرین پرواز خلبان بود. رفیق پرویز حکمت جو، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، همچون تمام زندگیش، عقابوار در اوج، بشهادت رسیده بود...

توده‌ای قهرمان راهت ادامه دارد!

سخنی چند پیرامون مصاحبه مطبوعاتی فرمانده کل سپاه پاسداران

۲۰ اردیبهشت ماه آقای محسن رضائی فرمانده کل سپاه پاسداران و یکی از مهره‌های متنفذ و درشت جمهوری اسلامی، مصاحبه‌ای بنا بر خبرنگاران داخلی و خارجی ترتیب داد. برای نخستین بار فرمانده کل سپاه در مصاحبه ای طولانی و منحصر به یک موضوع شرکت جست. موضوع مورد بحث به گفته وی "علیات شهید مطهر" بود و منظور، یورش فاشیستی به خانه و کاشانه صدها نفر از اعضا و هواداران حزب توده، ایران، دستگیری و شکنجه و قتل آنان است. سقوط تسلیم طلبان بجائسی رسیده که حمله شبانه به خانه‌های شهروندان راه که یگانه گناهشان عضویت در یک حزب رسمی و علنی (نه غیر قانونی و مخفی) است، با علیات نظامی "والفجر" در یک ردیف قرار می‌دهند. بعضاً انسانها در شقاوت و خونریزی و قانون شکنی و ظلم و جور به درجه‌ای از "سقوط اخلاقی" تنزل می‌کنند، که قباحات اعمال خود را درک نمی‌کنند.

آقای رضائی با "افتخار" و بدون احساس عذاب وجدان به خبرنگاران خارجی گفت، که سپاه تحت فرماندهی وی بیش از دو سال، "کار اطلاعاتی منظم و سیستماتیک روی حزب توده صورت" می‌داده است. یعنی سپاه پاسداران بمثابة یک نهاد انقلابی "تابع ولایت فقیه"، با توسل به کنفیترین شیوه‌های پلیسی مخایر با تمام اصول فصل سوم قانون اساسی پیرامون "حقوق ملت"، علیه اعضای حزب توده، ایران جاسوسی می‌کرده است. آیا این عمل تطبیق شیوه‌های مک کارتیسم ابداع آمریکا در ایران نیست؟ آقای رضائی به تعصب می‌کوشد تا چنین شیوه‌ای را "انسان دوست" و "پشسر دوست" معرفی کند. عمده اتهامی که فرمانده کل سپاه به حزب توده، ایران وارد ساخت، "شروع به تهیه مقدمات، برای براندازی جمهوری اسلامی" بود (به متن کامل مصاحبه در اطلالعات ۱۲ اردیبهشت ماه ۶۲ مراجعه شود). بدینسان، برخلاف روزهای نخست پس از دستگیری اعضای حزب توده، ایران، که اتهام بطور عمده بر محور "جاسوسی" دور می‌زد، آقای رضائی "تیز براندازی" را مطرح ساخت. طبیعی است، با توجه به سنگینی اتهام وارده، خبرنگاران گرد آمده در مصاحبه مطبوعاتی در انتظار دریافت اسناد و مدارک و یا حداقل دلایل بی‌خدشه و قانع کننده بودند. ولی وقتی سخنان فرمانده کل سپاه پایان یافت، حاضرین در مصاحبه مطبوعاتی، دریافتند که "کوه موش زائید". دلایل "و مدارکی" که فرمانده کل سپاه پاسداران در اثبات "تیز براندازی" ارائه کرد، برای اکثر خبرنگاران آشنا به ایران قبل از انقلاب، تاریکی نداشت. آنها "دلایل"

را، بدون اندکی کم و کاست، سالها پیش از زبان مقامات عالی رتبه ساواک شنیده بودند. یا توجه به اینکه اظهارات آقای رضائی در مصاحبه مطبوعاتی ۲۰ اردیبهشت ماه، ادعاهای علیه خود راستگرایان و تسلیم طلبان است، ما خواهیم کوشید مسائل مطرحه در آن را جداگانه حلّاجی کنیم تا سیه روی شود هر که در او غش باشد.

آقای رضائی اثبات "شروع به تهیه مقدمات، برای براندازی جمهوری اسلامی" را، از سال ۱۳۲۰، یعنی آغاز فعالیت سیاسی حزب شروع کرد و دلایل زیرین را ارائه نمود:

۱- حزب توده، ایران در تهران اسلام موجودیت نکرد، بلکه به ادعای فرمانده کل سپاه "در شهرهای شمالی ایران بوجود آمد و از همین بد و تأسیس، با کمک و پشتیبانی اجانب فعالیت ورشد کرد و برای خود خط مشی تعیین کرد". چنانکه می‌بینیم، وی موضوع جدیدی را مطرح نمی‌سازد. مشابه این نظر در کتابهایی که ساواک در زمان شاه انتشار داده مندرج است. ولی همه می‌دانند که حزب توده، ایران در سراسر ایران از شمال گرفته تا جنوب، از شرق تا غرب کشور سازمانهای خود را به وجود آورد و در اندک مدتی به اعتراف دوست و دشمن به بزرگترین نیروی سیاسی کشور مبدل شد. دهها هزار کارگر، دهقان و روشنفکر به صفوف حزب توده، ایران پیوستند. آیا اجانب به دهها هزار انسان دستور داده بودند که عضویت حزب توده، ایران را به پذیرند؟

۲- آقای رضائی می‌گوید: "جای پای حزب توده، همزمان با انگلستان و آمریکا، در تمام ضرباتی که از پشت به اسلام و انقلاب اسلامی وارد می‌شد مشهود بوده است". کدام "اسلام" و کدام "انقلاب اسلامی"؟ فرمانده کل سپاه با طرح نظر مبتذل و ابلهانه به اصطلاح همکاری حزب توده، ایران با انگلستان و آمریکا در تیره چه کسانی کوشا است؟ در کجا مورخین، انقلابی آنهم "اسلامی"، در دوران شاه مخلوع ثبت کرده اند؟ روحانیت رژیم گذشته، بطور عمده در خدمت دربار و جیره خواران بود. اسناد و مدارکی که نشریات سپاه پاسداران درباره و بستگی عالیترین مراجع تقلید به دربار و ساواک منتشر ساختند گواه بر این نظر است. "اسلام" این آقایان اسلام درباری، اسلام آمریکائی و انگلیسی بود.

۳- گناه نابخشودنی حزب توده، ایران، به گفته آقای رضائی (که قاعدتاً باید یکی از دلایل عمده ثبوت "تیز براندازی" نیز به شمار رود)، به اصطلاح موضع حزب در زمینه رویداد ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ است. او می‌گوید که در ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ حزب توده، ایران "اقدامات شاه را اقدامات مترقیانه‌ای می‌"

دانست و سعی می‌کرد رژیم شاه را به شرق سوق دهد. "حزبی که شاه اعضای را گروه گروه روانه فراموشخانه‌ها و شکنجه‌گاهها می‌کرد و یا در برابر جوخه‌های اعدام قرا می‌داد، حزبی که فعالیت مخفی داشت چگونه می‌توانست رژیم شاه را به شرق سوق دهد؟

آیا آقای رضائی نمی‌دانند که شاه مهره بی‌اراده ای در دست امپریالیسم آمریکا بود؟ وی در سمع فرماندهی کل سپاه پاسداران بهتر از هر شخص دیگری به وابستگی عمیق ارتش ایران از لحاظ تجهیزات نظامی و بدکی‌های مورد نیاز به انحصارهای اسلحه سازی آمریکا آگاه است. و اما در برخورد حزب توده،

ایران به رویدادهای ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، آقای رضائی، علاوه بر اظهارات یادآوری شده در بالا گفت: "حزب توده قیام ۱۵ خرداد و انقلاب ملت ما را یک حرکت ارتجاعی می‌دانست و در طول این حرکت عظیم در سطح جامعه آرزو ما به شدت تبلیغات منفی می‌کرد". فرمانده کل سپاه، که فاقد دلیل و مدرک برای اثبات اتهام سخیف "تهیه مقدمات براندازی جمهوری اسلامی" است، مانند غریق به خس و خاشاکسی برای نجات خود پناه می‌برد. معلوم نیست، منظور آقای رضائی از انقلاب سال ۱۳۴۲ کدام انقلاب است؟

اگر منظور از انقلاب، حوادث آذر ۱۳۴۱ و خرداد ۱۳۴۲ است، موضع حزب توده، ایران در دفاع از جنبش ضد رژیم شاه و علیه نقوذ روزافزون امپریالیسم آمریکا در شئون مختلف زندگی جامعه ایران به اندازه کافی در مطبوعات حزب توده، ایران انتشار یافته است. پخش نطق‌ها و جریلن تظاهرات مردم علیه خفقان رژیم شاه در رادیوی پیک ایران، به عنوان تنها صدای آزاد مردم ایران در همان روزها و در سالهای بعد نشانه این پشتیبانی حزب ما از جنبش ضد امپریالیستی و ضد شاه‌های مردم بود و هیچ کس از جمله آقای رضائی هم قادر به پوشاندن آن نخواهد شد.

اما گرایشهای ارتجاعی هم مطرح شده بودند که مورد انتقاد حزب توده، ایران قرار گرفتند. گرایشاتی که برخی از نظر پردازان جمهوری اسلامی نیز آنها را "اشتباه" دانسته‌اند.

مثلاً، حجت الاسلام محمد جواد حجتی کرمانی نماینده مجلس شورای اسلامی در اطلالعات مورخ ۲۵ اسفند سال گذشته نوشت: "ما نباید دچار همان اشتباه شویم که پدران ما دچار آن شدند، برق را و اتوموبیل سواری را و بلندگو و رادیو تلویزیون را از باب عدم تشخیص موضوع "تشبه به کفار" دانستند و تا سالیان دراز از آن اجتناب ورزیدند و وقتی هم سلطه بقیه در صفحه ۹

سخنی چند پیرامون مصاحبه...

بقیه از صفحه ۸

های اجتناب ناپذیر علم آنان را مجبور به پذیرش کرده، "بخیه السیفی" از ما، عدم آلودگی به این مظاهر پیشرفت علمی و روشنفکری را نوعی مقدس مآبی می‌شمرند و تا همین قبل از ۱۵ خرداد ۴۲ بسیاری از ما، خواندن روزنامه و گوش کردن به رادیو و ۰۰۰ را عملاً تحریم کرده بودیم. ۰۰۰ گذشت بر ما روزگاری که بسیار از اسلام مایه گذاشتیم که فلان چیز و فلان چیز در اسلام جایز نیست و بعد تجدید نظر کردیم و برعکس آن عمل کردیم. من فقط به مسئله شرکت زنان در انتخابات اشاره می‌کنم و رد می‌شوم. این اتهام سنگین را نه حزب توده، ایران، پهلوی، از روحانیون نماینده در مجلس شورایی اسلامی وارد می‌کنند. وی حتی مسئله "ادراک سیاسی" آقایان علما را تحت سؤال قرار می‌دهد. او صریحاً می‌گوید، که در خرداد ۱۳۴۲ روحانیون به شرکت زنان در انتخابات معترض بودند.

علت ناراحتی فرمانده کل سپاه را باید در موضع‌کنونی حزب توده، ایران جستجو کرد. بازگشت وی به بیست سال پیش کوششی برای کتمان رویداد های کنونی کشور است.

۴- فرمانده کل سپاه، حزب توده، ایران را به "تخریب فرهنگ اسلامی" متهم می‌کند. دلیلی که او ارائه می‌دهد مضحک تر از "اتهام" است. او می‌گوید: "بطوریکه تقی شهرام در سال ۱۳۵۳ وقتی که مواضع جدید منافقین (مواضع مارکسیستی) را اعلام کرده، گفت که ما پوسته این سازمان را شکافتیم و مغز سازمان را بیرون آوردیم." آقای رضایی انشعاب درون سازمان مجاهدین خلق ایران را در نظر دارد. در این باره خود سازمان مجاهدین خلق ایران تحلیل همه‌جانبه‌ای منتشر ساخته است. ما فقط می‌پرسیم اظها - رات تقی شهرام چه ارتباطی با حزب توده، ایران می‌تواند داشته باشد؟ می‌گویند:

گنه کرد در بلخ آهنگری
به شوستر زدند گردن مسگری

۵- آنهایی که شب و روز فریاد می‌کشند "دروغگو دشمن خدا" است "دردروغگوئی گوی سبقت را از گویله، مبلغ هیتلر هم رود اند." آقای رضایی حزب توده، ایران را متهم می‌کند که "پایگاه شرق در کلیه کشورهای اسلامی، برای اشاعه افکار کمونیستی و مارکسیستی است." بنا بر این گفته حزب توده، ایران در دهها کشور آسیای و آفریقائی سازمان دارد و سرگرم اشاعه مارکسیسم است. مقامات مسئول جمهوری اسلامی فکر نمی‌کنند، که با طرح این قبیل ترهات، آنهم در مقابل خبرنگاران زبردست خارجی، دایره تنگ فهم سیاسی خود را به ثبوت می‌رسانند؟

۶- فرمانده کل سپاه، حزب توده، ایران را متهم می‌کند، که بعد از انقلاب می‌کوشید به "یک پایگاه سیاسی تبدیل شود" و "به عنوان یک حزب رسمی در کشور جمهوری اسلامی در بیاید".

حتما آقای رضایی هنگام مطالعه پرونده‌های سازک برای جمع‌آوری "مدارک" علیه حزب توده، ایران، به پرونده غیرقانونی کردن حزب توده، ایران توسط رژیم شاه برخورد کرده و بر اساس "فرمان شاهانه" به نتیجه مذکور رسیده است. هر کودک دبستانی می‌داند، که فعالیت حزب توده، ایران رسمی بوده، در غیر اینصورت لزومی به اعلامیه اخیر دادستان کسل انقلاب پیرامون غیرقانونی اعلام کردن فعالیت حزب توده، ایران نمی‌بود. و اما پسرای درک اینک - هر حزبی پایگاه سیاسی طبقه خاصی است، نیاز به معلومات و وسو اد سیاسی - اجتماعی عمیقی نیست.

۷- "مهمترین" و در عین حال ساده لوحانه ترین و مضحک ترین اتهام وارده به حزب توده، ایران، در ارتباط با اثبات "تز براندازی، ادعای تأثیر حزب در "خط مشی حکومتی" است. آقای رضایی می‌گوید، گویا حزب توده، ایران، "سعی داشت خط مشی حکومتی را تحت تأثیر خود قرار دهد و جمهوری اسلامی را به سمت اردوگاه شرق و خط شرقی سوق دهد و بعد کم کم می‌خواست ایران را وابسته به شرق بکند و آنگاه در یک براندازی، حزب را به حاکمیت کامل برساند." این بخش از اظهارات فرمانده کل سپاه برای رسانه‌های گروهی غرب تازگی نداشت. زیرا اکتسرها آنها، طی چهار سال اخیر دهها مقاله در این زمینه منتشر ساخته و توجه سران جمهوری اسلامی را به "نفوذ" حزب توده، ایران در دولت و خطرات واهی ناشی از آن جلب کرده بودند. آقای رضایی نوشته‌های ارگانهای تبلیغاتی امپریالیسم و بویژه امپریالیسم آمریکا را تکرار نمود. همگان آگاهند که از فردای پیروزی انقلاب حزب توده، ایران مورد تهاجم جما قدران، بنام "حزب الهی" قرار گرفت، و یک سال بعد نشریات آن تعطیل و دفاترش اشغال و غارت شد و هواداران را از ادارات دولتی اخراج کردند، سپس اعضای حزب را دستگیر و در فراموشخانه‌ها شکنجه داده و گاه کشتند. چنین چیزی چگونه می‌توانست "خط مشی حکومتی" را تغییر دهد؟ برای تغییر خط مشی دولت و براندازی حکومت حداقل باید مقامی مشابه مقام فرماندهی کلی سپاه پاسداران را اشغال کرد. تا قبیل از دستگیری اعضای حزب توده، ایران، مقامات عالی رتبه جمهوری اسلامی در پاسخ به اصرار بلندگوهای امپریالیسم و صهیونیسم، بویژه "هندای آمریکا"، "بی بی سی" و "صدای اسرائیل" پیرامون به اصطلاح نفوذ حزب توده، ایران در دولت، وجود "افراد نفوذی" حزب را در رد های بالای حاکمیت جدا نکذیب کردند. آقای محسن رضایی هم در مصاحبه خود به این موضوع پرداخت. وی نخست اظهار داشت: "قریبی ها شروع کردند به این اظهارات که بله، ما قبلاً می‌گفتیم که حزب توده در تمام ارگانهای

دولتی نفوذ کرده و این کشور را می‌خواهد به سمت شوروی سوق بد هد آنها در حقیقت از بیان این مسئله می‌خواهند این امتیاز را بگیرند که حرقهای ما درست بود." ولی کمی بعد وی بحلل نامعلومی، شاید هم برای پوشاندن همسویی نظر و هدف جمهوری اسلامی و امپریالیسم جهانی به این تبلیغات صد و هشتاد درجه تغییر جهت داد و گفت: "خط شرق شروع کرده به اینکه مسئله را خیلی بزرگ جلوه دهد و بگوید که آنها در تمام ارگانها نفوذ داشتند و در سطوح بسیار بالایی وابسته به حزب توده بودند. باید اعلام کنیم که اینطور نیست و این شایعات بی اساس است. ۰۰۰ آقای رضایی سفیسطه می‌کند و دروغ می‌گوید، "شرق" هیچ گاه چنین ادعائی نکرده است. برای نشان دادن اینکه مسئولان عالی رتبه رژیم در اجرای نقشه‌های اهریمنی خود چگونه از شیوه‌های کثیف مانند دروغ و تهمت بهره می‌گیرند به تفسیر روزنامه "پراودا" مراجعه کنیم. در تفسیر "کارزار تبلیغاتی ضد شوروی در ایران" مندرج در شماره ۲۳ اردیبهشت ماه "راه توده" مفسر "پراودا" می‌نویسد: "واقعاً هم چسه نوع اطلاعاتی رهبران حزب توده، ایران می‌توانستند به یک کشور خارجی بد دهند، زیرا آنها هیچ وقت نه فقط به رهبری کشور دست نیافتاده بلکه حتی در ارگانهای اداری و سیاسی ایران هم سمتی نداشتند. ۰۰۰ با وجود دروغگوئی فرمانده سپاه در تعیین منبج اولیه "اتهام"، ما از تکذیب وی اتخاذ سند می‌کنیم. زیرا او با نقی دسترسی حزب توده، ایران به مقامات تعمیم گیرنده جمهوری اسلامی، پایه‌های لرزان "اتهام جاسوسی" را بگلی ویران ساخت. آقای محسن رضایی در پایان مصاحبه خطاب به خبرنگاران گفت: "شما تصور بفرمایید که رژیم شاه، شاید یک صدم این ضربه را نتوانسته به حزب توده بزند. ۰۰۰ چرا وی اصرار دارد تا نظام جمهوری اسلامی را خونخوارتر و وحشی تر از رژیم شاه در انظار ترسیم کند؟ هدف وی از تیرش شاه چیست؟ البته فرمانده کل سپاه در این کوشش تنها نیست. تقریباً همه سران جمهوری اسلامی سعی دارند حلقه سبعمانه به خانه‌های اعضای حزب توده، ایران را که آدرسهای آنان از کسی پنهان نبود، یتابه عملیات عظیم و بی سابقه جلوه دهند. مثلاً آقای موسوی نخست وزیر جمهوری اسلامی دستگیری جمعی، جرح و ضرب و شکنجه اعضای حزب توده، ایران را "اقدام تاریخی" می‌خواند و می‌گوید: "این اقدامات در تاریخ یکصدساله اخیر در رابطه با احزاب الحادای در سراسر جهان بی سابقه است و کشتار رادیو برای اقرار "نشانه" قدرت و نفوذ اسلام و قرآن است" (اطلاعات ۱۷ اردیبهشت ۶۲). آیا نخست وزیر از جنایات وحشتناک جلادان هیطری که صدها جلد کتاب در سراسر جهان در باره اش انتشار یافته بی اطلاع است؟ اصرار آقای میرحسین موسوی در باز پس گرفتن "تلج" افتخار "پورش فاشیستی به احزاب کمونیستی و کشتار دسته جمعی کمونیستها در اروپا بهنگام جنگ جهانی دوم و نیز شیوه‌های فاشیستی بقیه در صفحه ۶

مابا "انتقاد منصفانه" موافقیم!

بقیه از صفحه ۲

میهن انقلابی را هم، همانند شعار بزرگ دیگر انقلاب، که آزادی برای خلق و علیه استثمارگران بود به خاک خواهد سپرد. راهی که امپریالیست ها و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا را، مستشاران و "متخصصین" آن را، هم از در رژیم شاهنشاهی و هم از پنجره "اسلامی" به میهن ما باز خواهد گرداند، که پایه های آن با حکماری های آغاز شده اقتصادی-سیاسی-اطلاعاتی-و نظامی-پلیسی با ترکیه و پاکستان تحکیم می شود. آری خلق می بیند و درک می کند، که نه انتقاد کنندگان بر این "سیاست" ایران بر انداز و ارتجاعی خائند و از انقلاب چندان شادماند، بلکه آنهایی که این انتقادات را محکوم می کنند و انتقاد کنندگان را سرکوب!

(۱) متوقف ساختن قانون اصلاحات ارضی مصوب شورای انقلاب در ابتدای جنگ تحمیلی عراق علیه ایران. مثله کردن همین قانون به نام قانون احیاء و واگذاری زمین های زراعی و رد آن توسط شورای نگهبان.
(۲) باز پس گرفتن زمین های دهقانان منطقه "گوراب تولم" از توابع شهرستان صومعه سرا (اطلاعات، ۱ خرداد ۶۲). بند و رای به نفع بزرگ فتودال اصفهان، برومند، در نامه اهالی سرخوار اصفهان (کیهان، ۲۷ اردیبهشت).

۱۰۰ به ۱/۴ می باشد. (نطق های پیش از دستور نمایندگان).
(۹) افزایش حجم میادلات ایران و ترکیه به مبلغ ۲/۵ میلیارد دلار (امضاء قسبر داد اقتصادی ایران و ترکیه در آنکارا، توسط بهزاد نبوی وزیر صنایع سنگین، اول اردیبهشت ۶۲).
(۱۰) مصوب مجلس شورای اسلامی، روزنامه ها.
(۱۱) حکم دیوان عدالت اداری درباره "موارد تخلف شرکت سهامی گسترش خدمات بازرگانی، مرکز تهیه و توزیع فلزات، کمیته امور صغی و سازمان مرکزی تعاون کشور در امر توزیع آهن" (اطلاعات، ۲۹ اردیبهشت ۶۲).
(۱۲) سود ۵ میلیارد تومانی چند سرمایه دار بزرگ در جریان آزاد کردن خرید برنج (نطق پیش از دستور آقای حسن زاده نماینده کاشمر در مجلس شورای اسلامی، اطلاعات، ۱۷ اردیبهشت ۶۲).
(۱۳) در جریان بالا گرفتن اختلافات فی مابین وزارت مسکن و شهرسازی، دادگاه مستقر در شهرداری و سازمان اراضی شهری، اسناد زمین های داده شده به مردم از سوی دادگاه مستقر در شهرداری از درجه اعتبار ساقط شدند.
(۱۴) اظهارات آقای طباطبائی حاکم شرع دادگاه مستقر در شهرداری، اطلاعات، ۱۴ خرداد ۶۲.
(۱۵) اظهارات وزیر مسکن پیرامون مسئله واگذاری زمین و همچنین نطق رئیس دیوان عالی کشور (اطلاعات، ۱۶ خرداد ۶۲).
(۱۶) اظهارات دادستان کل کشور پیرامون مسئله مستأجر تشینی در روزهای اخیر.

باز پس گرفتن زمین روستائیان روستای "گلندار" از توابع اقلید و محبوس نمودن آنان به علت اعتراض آنها به این اقدام (نطق پیش از دستور آقای عبدالواحد موسوی لاری نماینده لارستان در مجلس شورای اسلامی، ۵ شنبه ۱۲ خرداد ۶۲).
(۳) گزارش عملکرد ۶ ماهه بنیاد مستضعفان توسط رئیس بنیاد مستضعفان (سید مهدی طباطبائی) (اطلاعات، ۵ خرداد ۶۲).
(۴) گزارش عملکرد ۵ ماهه ستاد پیگیری فرمان ۸ ماده ای توسط رئیس دیوان عالی کشور (اطلاعات، ۲۹ اردیبهشت ۶۲).
(۵) سخنان طاهری نجف آبادی، معاون وزیر نفت (کیهان، ۲۱ اردیبهشت ۶۲).
(۶) دکتر حسن غفوری فرد، وزیر نیرو در سه روز در نماز انجمنی در جهان سوم (اطلاعات، ۵ خرداد ۶۲).
(۷) فقط سالانه بین ۵ تا ۶ میلیارد دلار کالای نیم ساخته برای مونتاژ کردن در کارخانه های مونتاژ، وارد می شود (سخنان وزیر صنایع، مصطفی هاشمی، در مورد راندمان تولید، سرمایه گذاری، خودکفائی، قانون کار و صنایع ملی شده، اطلاعات، ۴ خرداد ۶۲).
(۸) ورود قریب به ۱۷ میلیون تن کالا به ایران فقط از طریق بنادر در سال ۶۱. نسبت واردات و صادرات ایران از نظر ارزش پولی

ساواک بازسازی شده توسط جمهوری...

بقیه از صفحه ۱۴

رسماً و صریحاً شیوه های "ساواک آریامهری" را در جامعه ما قانونیت بخشیدند. اینچنین بنظر می آید، که آنها راه خود را انتخاب کرده اند و این را هم باید بدانند، که خلق تصور آنها را برای جلوگیری از این فاجعه بحال انقلاب، هیچ گاه نخواهد بخشید و آنها به خلق و انقلاب پاسخگو باقی خواهند ماند.
اما آنچه که در این رهگذر مربوط به حزب توده ایران است، همانطور که بارها و بارها گفته ایم حتی اگر دشمن طبقاتی موفق شود تک تک توده ایها را دفن کند، قادر نخواهد بود راه حزب و اندیشه های آنرا نابود سازد و این باز حزب توده ایران خواهد بود، که چون سفند ری از میان آتش و خون برخیزد و خواست. بقول رفیق شهید خسرو روزبه قهرمان ملی ایران: "روزبه و روزبه ها می میرند، اما راه آنها راه حزب توده ایران، ادامه خواهد یافت."
همانطور که ساواک آریامهر در رسالت خود برای نابودی حزب توده ایران، به هدف نرسید، ساواک در خدمت جمهوری اسلامی نیز قادر به انجام این کار نخواهد شد. بگذار کوردلان باطل و خامان قافل آرموده را یکبار دیگر هم بیازمایند!

محاکمه غیر علنی شهید حسن حسین پور!

تفاوت چندانی با هم ندارد و بهر حال مجلسی خالی از اغیار است، ولی اینکه خود متهمین تقاضا محاکمه غیر علنی کنند تا بی سروصدا کشته شوند بسیار شگفت انگیز است. اینجاست که مشت آقای دادستان کاملاً باز میشود. میخواهند بیبها محاکمه غیر علنی، کشته شدگان زیر شکنجه، نظیر زنده یار رفیق حسن حسین پور تبریزی را که همراه دیگران در بهمن ماه بازداشت شدند و ناگهان در کیهان خواندیم که بهرگ ناگهانی در گذشته است، باصحنه سازی، دوباره محکوم بهرگ کنند و بگویند حکم اجرا شد.

نه، نباید چنین اجازها را داد! اگر اجازه و هود و کلاهی مدافع و حقوق دانان و پزشکان داخلی و خارجی را نمی دهند، لااقل این باصطلاح محاکمات باید در حضور خانواده های این فرزندندان شایسته خلق صورت گیرد تا نتوانند اسرار این جنایات وحشتناک را که بنام "اسلام" انجام داده اند از انظار ایرانیان و جهانیان مخفی کنند.

باید از دولت ایران خواست که اسامی تمام اعضا و هواداران دستگیر شده حزب توده ایران و دیگر سازمانهای سیاسی را اعلام کند تا دست و پال حاکمیت برای سر به نیست کردن زندانیان باز نباشد.

آقای موسوی تبریزی می گوید:
زندانیان تودهای که زیر شکنجه کشته شده اند تقاضای محاکمه "غیر علنی" خواهند کرد

آقای موسوی تبریزی دادستان کل انقلاب طی صاحبیه اختصاصی با خبرنگار واحد مرکزی خبر گفت: "در آینده نزدیک محاکمه اعضا خائسین حزب توده ایران پس از بررسی کامل اطلاعات و تحقیقات لازم صورت خواهد گرفت و ما سعی داریم که کلیه محاکمات، علنی انجام گیرد. مگر اینسکه بعضی اعضا این حزب منحل خواستار جلسه غیر علنی شوند."

این اظهار "لطف" آقای دادستان کل انقلاب قابل درک نیست. او از یکسو چپ و راست به ما فحش میدهد، متهمین محاکمه نشده را خائن مینامد، بهنگام دستگیری و بازجویی از پایمال کردن ابتدائی ترین موازین اخلاقی و انسانی ابا ندارد، اسامی دستگیر شده گان را اعلام نمی کند و عدا را زیر شکنجه کشته است ولی ناگهان موافقت میکند که این "خائسین" اگر بخواهند، غیر علنی محاکمه میشوند! واقعاً چه معجزهای رخ داده است؟ منشاء اینهمه لطف نسبت بیک عده "جاسوس ملحد" چیست؟ تجارب گذشته نشان داده که در این "دادگاههای اسلامی" محاکمه علنی و غیر علنی

گسترش همبستگی بین المللی...

بقیه از صفحه ۳

در نامه، یورش حفقان آور فاشیستی اخیر به حزب توده، ایران و سایر نیروهای مترقی و شکنجه‌های ددمنشانه اعمال شده در مورد آنان محکوم گردیده و به شیوه‌های رذیله "اقرار گیری" از این مبارزین، شدیدا اعتراض شدیدی خواست اعزام هیأتی بین‌المللی، جهت بازدید زندانیان و بررسی وضع آنان از نزدیک، مطرح گردیده است. اعضا کنندگان:

- حزب کمونیست بریتانیا، حزب کمونیست آفریقای جنوبی و سازمانهای زیر در بریتانیا هستند:
- حزب کمونیست عراق، حزب کمونیست شیلی، حزب کمونیست پرتغال، حزب کمونیست سوئد، حزب پیشرو خلق فنلاند، حزب پیشرو کارگران قبرس، اتحادیه دمکراتیک ترکیه، قبرس، اینتر سندیکال پرتغال، شورای اتحادیه های شیلی، سازمان پیشرو سوئدی ها، اعضا و هواداران حزب کمونیست اسرائیل، اعضا و هواداران حزب کمونیست فلسطین، سازمان جوانان کمونیست بریتانیا، جوانان کمونیست یونان، انجمن دانشجویان عراقی، انجمن دانشجویان کرد در اروپا، اتحادیه دانشجویان قبرس، اتحادیه دانشجویی ترکهای قبرس، سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران (ادیسی)

تشدید همبستگی کمونیستهای یونان با حزب توده ایران!

بد نبال اعمال جنایات تاریخی دشمنان استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، در مورد فضای رهبری حزب توده، ایران و شدت آن در هفته‌های های اخیر، همبستگی رفقای حزب کمونیست یونان و سایر دمکراتهای این کشور نیز گسترش می‌یابد.

هفته گذشته، اجتماعی مرکب از ۲۰۰ نفر از کارکنان روزنامه "ریزوس پاستیس"، ارگان حزب کمونیست یونان، تشکیل گردید که ضمن آن، رفیق پاپاریگاس، عضو مشاور کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان، درباره تحولات اخیر ایران و همچنین تشدید تضییق، پیگرد و سرکوب در مورد حزب

با اعضا و ارسال کارت‌ها برای مقامات جمهوری اسلامی، صدای اعتراض خود را بر علیه این جنایات هر چه بلندتر کرده و آزادی فوری مبارزین توده‌ای را خواستار گردیدند.

حزب کمونیست و سندیکاها کارگری ایتالیا، بنام میلیونها کارگر این کشور، نسبت به دستگیری و شکنجه رهبران و اعضای حزب توده ایران اعتراض می‌کنند

کنفدراسیون عمومی کار ایتالیا، CGIL (سندیکای سراسری کارگران) طی ارسال نامه‌ای به سفارت ج ۱۰۱۰ در ایران، مراتب نگرانی خود را از بازداشت و شکنجه رهبران و اعضای حزب توده، ایران و اعمال پیگرد در مورد سایر میهن پرستان، ابراز می‌دارند. در نامه از جمله آمده است:

"در میان بازداشت شدگان توده‌ای، مبارزینی بچشم می‌خورند که سالیان سال تحت پیگرد حکومت دیکتاتوری پهلوی بودند و بازداشت آنان بدست حکومت ج ۱۰۱۰ موجی از



هزاران نفر با شعار "دشمنان از حزب توده ایران کوتاه باد" در شهر سالونیک (یونان) در تظاهرات با تکیه حرکت کردند.

خشم و انزجار، بویژه در میان کارگران ایتالیا که از مبارزه آنان بر علیه حکومت جبار پهلوی هم‌واو پشتیبانی کرده‌اند، برانگیخته است.

● رفقا آنتونیو رویی مسئول شعبه بیسن المللی کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا و ماشیمو میکوجی با رفقای حزب توده، ایران در ایتالیا ملاقاتی بعمل آوردند که ضمن آن در باره تضییقات اعمال شده بوسیله دولت علیه حزب دستگیری رهبران و اعضای آن، تشدید فشار برای خارج کردن حزب توده ایران از صحنه، سیاست ایران و سرکوب کلیه نیروهای اپوزیسیون مترقی، تبادل نظر کردند.

رفقا رویی و میکوجی بنماینده‌ای از طرف حزب کمونیست ایتالیا، اقدامات دولت ایران را شدیداً محکوم کردند و همبستگی حزب کمونیست ایتالیا را با رفقای توده‌ای، که پزند ان افکنده شده‌اند و یا تمام نیروهای مترقی تحت پیگرد، اعلام کردند. آنان ضمن ابراز نگرانی از این جریان‌ها یادآور شدند که مشی د ولترمدان محافظه کار و سیاستی که از آن پیروی میکنند، انقلاب ایران را هر روز بیشتر از اهداف اولیه آن، "استقلال، آزادی" و "عدالت اجتماعی دور می‌سازد".

توده، ایران و اعضای آن، بیاناتی به تفصیل ایراد کرد.

● روزنامه "اودی کی دیس" ارگان سازمان جوانان کمونیست یونان، در نهم ژوئن ۱۹۸۳، ضمن درج مقاله‌ای، متن مصاحبه با هیئت نمایندگان حزب توده، ایران را تحت عنوان "چه چیز پشت سرکوبها پنهان شده است؟" به چاپ رسانیده است. در این مصاحبه، چگو-نگی نفوذ راستگرایان و بقدرت رسیدن آنان در کلیه نهاد های حاکمیت جمهوری اسلامی ایران و در پی آن حمله به دستاورد های انقلاب و مدافعان آن و سرکوب کمونیستهای ایران، به تفصیل تشریح شده است. در مقاله همچنین، شکنجه‌های اعمال شده در مورد رهبران حزب توده، ایران و شیوه‌های کسب "اعترافات" تشریح گردیده و ضمن چاپ عکس رفیق کیانوری قبل و بعد از "اعترافات" و مقایسه آن دو با هم، توضیح داده شده است که ما فیلیم "اعترافات" را دیدیم، و به جنایات اعمال شده پی بردیم. روزنامه با چاپ کارت پستی از کلیه خوانندگان و شخصیت‌های مترقی خواسته است که

● همزمان با تظاهراتی که بمنظور اعتراض به شکنجه زندانیان توده‌ای، روز جمعه سوم ژوئن به دعوت کمیته دفاع از انقلاب ایران، ترتیب داده شد و در آن نمایندگان احزاب و سازمانهای مترقی شرکت داشتند، جمعی از اعضای اتحادیه ملی معلمین آموزش عالی انگلستان، نامه‌ای تسلیم کاردار سفارت نمودند. در این نامه، پس از اظهار نگرانی عمیق نسبت به حوادث اخیر ایران و بویژه مسأله دستگیری، شکنجه و "اقرار" تلویزیونی رهبران حزب توده، ایران، اعزام هیأتی جهت بررسی وضع این زندانیان، درخواست شده است.

● در کنفرانس سالانه بخش تکنیکی و مشاوره "مجمع اتحادیه‌های کارگران مهندسی" که از تاریخ بیست و سیم تا بیست و هفتم ماه مه سال جاری برگزار گردید، قطعنامه‌ای در مورد دستگیری و شکنجه زندانیان توده‌ای، با تفاسق آرا، بتصویب رسید. در قطعنامه ضمن محکوم کردن این اعمال و نیز اعلام "انحلال" حزب توده، ایران، این اقدامات، خیانت به آرمان انقلابی مردم ایران تلقی گردیده و از کمیته اجرایی "مجمع" خواسته شده است تا از طریق "شورای اتحادیه‌های کارگری انگلستان" و بنا هر نهاد بین‌المللی دیگری، در جهت تحقیق خواست‌های زیر اقدام نماید:

- ۱- پایان دادن به شکنجه
- ۲- آزادی بلادرنگ زندانیان سیاسی
- ۳- ضمانت آزادی فعالیت احزاب سیاسی بر اساس اصل ۲۶ قانون اساسی ج ۱۰۱۰

در هفته‌ای که گذشت

تشدید تحریکات نظامی آمریکا در منطقه: تضمینی برای تثبیت کامل چرخش به راست در حاکمیت ایران

آمریکا و عمالش در منطقه به توطئه‌ها و تجاوزات خود ادامه می‌دهند. از یک سو تهدید نظامی سوریه از جانب اسرائیل، متحد استراتژیک آمریکا روز بروز ابعاد تازه‌تری بخود می‌گیرد، از سوی دیگر رژیم ترکیه، عضو ناتو و متحد آمریکا حاکمیت ایران، شرق این کشور را به محل مانور نظامی "ماجرای ۸۲" و تاخت و تاز نیروهای ۶ کشور امپریالیستی تبدیل می‌کند. و بالاخره رژیم‌های آمریکائی آنکارا و بغداد بسا توافق قبلی و بدستور آمریکا زیر چتر حفاظت این مانور نظامی، امر سرکوب جنبش ضد دیکتاتور در شمال عراق را به ۱۵ هزار چکه پوش ارتش ترکیه واگذار می‌کنند.

به گزارش روزنامه اومانیت در ۳۰ ماه مه: طبق اظهارات مقامات دولتی عراق و ترکیه، این عملیات با توافق طرفین انجام گرفته و طرح آن از مدتها پیش توسط دو رژیم مشترکا ریخته شده است. چتر بازهای رژیم فاشیستی ترکیه منطقه بی‌توجهی را که تا چند روز پیش مقر رهبری حزب کمونیست عراق بود اشغال کردند، ولسی خوبخاتانه رهبران حزب کمونیست عراق این منطقه را چند روز پیش پس از درگیری با نیروهای اتحادیه میهنی کردستان ترک نموده بودند. دامنه این عملیات هر روز وسعت بیشتری می‌یابد.

این خبر، با وضوح کامل هدف اصلی نیروهای هوادار امپریالیسم در منطقه را نشان می‌دهد: پیگرد و سرکوب کمونیستها و دیگر نیروهای دمکراتیک. کاری که در ایران ژنرال‌های شاهنشاهی، یعنی فردوستها انجام می‌دهند، در عراق به‌عده ژنرال‌های ترک واگذار شده است. و اینست علت سکوت تأیید آمیز و وزارت خارجه جمهوری اسلامی و دیگر مسئولان.

تشدید تحریکات نظامی آمریکا و رژیم‌های دست‌نشاندها در منطقه نوعی تضمین و "دلگرمی" برای تعرض بعدی راستگرایان بمنظور تثبیت کامل چرخش به راست در حاکمیت ایران است. گو اینکه امروز حاکمیت جمهوری اسلامی ایران هر روز بیشتر به خواست و اراده امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا گردن می‌نهد، گویا اینکه در میهن ما دست ضد انقلاب را باز کرده و دست و پای انقلاب را می‌بندند، گویا اینکه دروازه‌های کشور را بروی "شیطان بزرگ" باز کرده و یازان صادق انقلاب را دستگیر می‌کنند و شکنجه می‌دهند و به جوشه اعنظام

می‌سیارند، اما امپریالیسم آمریکا هنوز به این خوش خدمتی‌ها قانع نیست. او ایران را می‌خواهد. او احیای کامل رژیم شاه را می‌خواهد. او برقراری مجدد سلطه همه جانبه خود را می‌طلبد. تحقق چنین اهدافی تنها با تغییر کیفی در دستگاه حکومتی علی است. بهمین منظور چه در پیرامون ایران و چه در داخل کشور آخرین تدابیر بمنظور انجام تصفیه‌ای وسیع و خونین در حال اجرا است.

نکته جالب اینجا است که در حالی که نیروهای ترکیه بدستور آمریکا با مانور نظامی و رویداد خفاک عراق، ورود به خاک ایران را تمرین میکنند، از سوی محافل رسمی ایران کوچکترین اشاراتی به نقش امپریالیسم آمریکا و رژیم نظامی ترکیه در این تحریکات بعمل نیامده و در عوض، سخنگویان سیاست حاکمیت ایران به حربه انحراف اذهن متوسل شده‌اند و این موضوع را تنها بعنوان "ضعف رژیم صدام" قلمداد کرده‌اند. هم در خطبه‌های نماز جمعه، هم در اظهارات اعضای شورایی عالی دفاع و هم در بیانیه وزارت امور خارجه معرکه گردان اصلی این تحریکات امپریالیسم آمریکا، فراموشی هملحت آمیز سپرده شده و از هر اعتراضی صحن می‌مانند! آیا این سازش با امپریالیسم آمریکا، این دشمن اصلی همه خلقهای جهان، منطقه و ایران، نیست؟

تلاش بیفایده حکومت برای گتمان بحران

بحران همه جانبه‌ای سراسر جامعه ما را فرا گرفته است. مرم ترین معضلات اجتماعی لاینحل ماند ماند. وضع زندگی زحمتکشان روز بروز رقت بارتر می‌شود. گران، بیکاری، یأس و سرخوردگی و ... در میان قربانیان نظام سرمایه داری بیداد می‌کند. و در این میان، راستگرایان و تسلیم طلبان به تلاش بیفایده‌ای برای گتمان این بحران دست زد ماند.

از یک سو وزیر بازرگانی، که اخیرا بسرای تجهیز همه نیروهای راست نقش فعال تری به عهده گرفته و با مسافرت به نقاط مختلف کشور و سخنرانی‌های فرا، صفحات روزنامه‌ها را از اخبار مربوط بخود پر کرده، اعلام می‌کند که "امروز جامعه ما از نظر سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی در داخل و خارج از کشور با مشکل مهمی روبرو نیست" (کیهان، ۱۲/۳/۶۲) و از سوی دیگر، رئیس جمهوری می‌کوشد بحران عمیق حاکم بر کشور را "مشکلات طبیعی کوچک" (اطلاعات، ۱۰/۲/۶۲) جلوه دهد که گویا عده‌ای می‌خواهند آن را "در دید همگان بگیرند و افراد را از آینده انقلاب مأیوس کنند" و طبعی است که "آن عده" را باید سرکوب کرد و گرنه بقل آقای رئیس جمهوری "دولت

بلاحت بخرج داده است" اما زحمتکشان همه می‌دانند که این نشان دادن بحران و راه برون رفت از آن، این طلب کردن حقوق زحمتکشان و مبارزه با کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان نیست که آنها را مأیوس می‌کند. آنها می‌خواهند زحمتکشان را از مبارزه انقلابی مأیوس کنند و بخلق بقبولانند که "سه سه بار، نه نه بار غلط کردند که انقلاب کردند"، راه سرکوب و شکنجه و زندان و ترور و اختناق برای پیگیرترین مدافعین عدالت اجتماعی را در پیش گرفتند.

آقای جنتی در مقابل دیدگان بهت‌زده شرکت‌کنندگان در سمینار هیات‌های ۷ نفره در مشهد که از جمهوری اسلامی انتظار اصلاحات ارضی انقلابی و زمین برای کشاورزان را داشتند و اینک تاخت و تاز فئودالها و دادگاهی شدن محرومترین اقشار دهقانان را می‌بینند، می‌گوید: "برادران عزیز، دلسرد نشوید، بحران است" (اطلاعات، ۱۲/۳/۶۲) و اعتراف می‌کند که در جنگ با زمینداران، همراهان دبیروزی انقلاب شکست خورد ماند و تسلیم شد ماند، چرا که "جنگ معنایش همین است، این هم یک نوع جنگی است که ما داریم می‌کنیم. و توی این جهاد هم ایجاد اشکال و مانع و شکست و محرومیت و همه چیز هست. اما در عین حال نباید این قضیه موجب یأس و دلسردی و ناامیدی بشود" (همانجا)

باید اینجا از آقای رئیس جمهوری پرسید که کیست که زحمتکشان را مأیوس می‌کند؟ آنها می‌کنند؟ پیگیرانه از حقوق زحمتکشان دفاع می‌کنند، و یا آنها می‌کنند که موعایدی را که به "مستضعفان" داد ماند فراموش می‌کنند و از آنها فاصله می‌گیرند؟ آری، طبعی‌گفته رئیس جمهوری، که بحران فعلی "مشکلی نیست و یک چیز جعلی و دروغی است"، این مشکل خیلی بزرگی است، مشکلی که حکام فعلی قادر به حل آن نیستند و تنها نیروی عظیم توده‌های میلیونی زحمتکشان میهن ما است که به آن خاتمه خواهد داد.

خط، خط تثبیت

غازتگری سرمایه‌داری است

با چرخش برآست در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، کوچکترین امید و روزنه‌ای برای اینکه این حاکمیت بتواند حتی به یکی از خواست‌های مردم محروم و زحمتکش میهنمان پاسخ انقلابی دهد باقی نمانده است. تحول اوضاع در مسیر تثبیت غازتگری سرمایه‌داری است. راه حل‌هایی که برای بحران ارائه می‌شود، راه‌حل‌های سرمایه‌داری است.

وزیر بازرگانی در رابطه با تجارت خارجی اعلام می‌کند که سیاست دولت این است که "طوری نشود که دولت همه کاره باشد. ملت (!) هیچ کاره" (اطلاعات، ۱۴/۳/۶۲) و البته روشن است که آن "ملت" که باید در عرصه تجارت خارجی فعال باشد کسی جز کلان سرمایه‌داران نیست و برای توجیه عوامفریبانه آن نیز اضافه می‌کند که "دولتی کردن همه چیز تقلید کور کورانه از شرق است" و بدین ترتیب فاتحه بقیه در صفحه ۱۳

در هفته ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲

قانون اساسی را میخواند.

از سوی دیگر، آقای مهدوی کئی بخش دیگری از اصول قانون اساسی را که معادن حیاتی را متعلق به دولت می داند مورد حمله قرار داد و می گوید: " ما می گوئیم اگر معدن در ملک شخصی باشد، این مال آن شخص است " (اطلاعات، ۱۴/۲/۶۲) و البته بلافاصله " مرحمت فرموده " معادنی را که " خیلی در عمق زمین باشد " لاپید چون برای سرمایه دار استخراجش صرف نمی کند - مشمول " بحث دیگری " می داند .

در عرصه " مناسبات اقتصادی با کشورهای دیگر نیز راستگرایان مهر خود را بطور کامل بر سیاست های کشور زد مانند " اعزام یک هیأت " بلند پایه " ایرانی به ژاپن برای بسط مناسبات سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی و بازرگانی ، آنهم چند روز پس از کنفرانس ویلیامزبورگ که در آن سران کشورهای عمده سرمایه داری غرب و از جمله ژاپن از تحول براست در حاکمیت ایران ابراز خشنودی کرده و به بسط مناسبات با ایران تمایلی نشان می دهد، که زمامداران جمهوری اسلامی ایران اکنون ، در های کشور را به روی سلطه " امپریالیسم " به روی سرمایه داری وابسته باز می کنند .

راستگرایان برای حمله به خاکریز بعدی آماده می شوند

در هفته " گذشته آقای مهدوی کئی سخنگوی راستگرایان حاکم " مژه " داد که فقسط " یک خاکریز " باقی مانده و آنهم بزودی تسخیر خواهد شد و از این سخن گفت که " خط دیگری " بعد از " خط حزب توده " ، " کشف " شده است . (اطلاعات - ۱۴ خرداد) . آقای کئی ادامه می دهد که برای سرکوب این " خط " که می گوید " شورای نگهبان طرفدار فتوای الهی و سرمایه دار ها است " ملاقاتهایی انجام داده و شرح آن را چنین ذکر می کند :

" عرض کردم خدمت امام یا شما این فتوا را (درباره " معادن) از رساله " خودتان بردارید یا ما در شورای نگهبان نمی توانیم بگوئیم معدن در ملک شخصی مطلق مال دولت است، به ما اتهام می زنند که طرفدار سرمایه دار هستیم خدمت امام عرض کردم ، اگر طرفدار سرمایه داری ایمن است اول خود شما طرفدار سرمایه دار هستید " . این آماده شدن راستگرایان برای حمله به " خاکریز بعدی " در حالی است که اینجسا و آنجا پرسیده می شود " آیا راست است که محترمان و گرانفروشان و سودپرستان از خدا بی خبر ، با نزدیک شدن به دولت و دستگاہی مسئول صادرات و واردات کشور، راه نزدیک رسیدن به ثروت و پایمال نمودن حقوق مصرف کنندگان مستضعف را فرا گرفته اند ؟ " (سخنان نماینده لارستان در مجلس، اطلاعات، ۴ خرداد) و نیز " آیا صحت دارد که دادگاههای انقلاب و دادگستری ، با ۱۸۰۰ جرم چرخش ، سرعت مشغول

بازگرداندن اموال طاغوتیان و دزدان بیت - المال بآنان است ؟ آیا راست است که فتوای الهی و سرمایه داران توسط بعضی از حکام شرع جهان تازهای گرفته اند ؟ " و بالاخره پرسیده می شود که نکند " کاسهای زیر نیم کاسه باشد ؟ " (همانجا) آقای برهانی در مقاله ای در روزنامه " صبح آزادگان " دوشنبه ۱۶ خرداد می پرسد " چرا هنوز یک حکم مفسد فی الارض در مورد غارتگران اجرا نشده ، پس کی این محترمان ضد انقلاب مفسد فی الارض می شوند، آیا باید صبر کرد تا همه مملکت را ببلعند ؟ "

جای تاسف است که در حالی که راستگرایان تیغ خود را برای بخون کشیدن همه مدافعین زحمتکشان تیز می کنند، هنوز عدای هستند که بجای در یافتن خطر واقعی و افشای خطر راست و مبارزه قاطع و اصولی با کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و نمایندگان " منتشرشان " کارزار تبلیغاتی ضد توده های همراه شده اند و می پندارند که با تکرار این یا آن دشنام ضد توده های دشمن به آنها رخصت خواهد داد .

لیبرالها به میدان می آیند

یدالله سبحانی، سخنگوی جناح لیبرال خواهان آشتی با امپریالیسم، و سخنگوی آنها می که " سه سه بار نه نه بار غلط کردند که انقلاب کردند " ، نطقی در مجلس ایراد کرد و خواهان برگزاری جلسات سری در مجلس شد . پیشنهاد لیبرالها که مستلزم تغییر آئین نامه " داخلی مجلس است، مورد تأیید ضمنی رئیس مجلس قرار گرفت .

همچنین بلندگوهای امپریالیسم و ضد انقلاب در خارج از کشور اخیرا درباره فعالیت های " نهضت آزادی " تبلیغات گسترده ای برآه انداخته اند و از این سخن می گویند که در جلسه " اخیر ایمن گروه در تهران، ۴۰ نماینده " مجلس شرکت جسته اند .

فعال تر شدن نیروهای سازشکار و طرفداران ران آشتی با امپریالیسم پیش از هر چیز در ارتباط با غلبه " سیاستی است که می خواهد از انقلاب انتقام بگیرد .

کارگران بر حقوق خود اصرار می ورزند

کارگران فصلی و پرورهای شهر سنج در طوماری خواستار تدوین قانون کار انقلابی با مشارکت کارگران بر مبنای قانون اساسی و ایجاد تغییرات بنیادی در شرایط زندگی شان شده اند . در این طومار خواسته های کارگران بدین شرح شمرده شده است :

" برسمیت شناختن فعالیت های سندیکایی شورائی رفح هرگونه تبعیض ملی - مذهبی و سنی و جنسی در رابطه با حقوق کار - حق انعقاد قرارداد های دسته جمعی توسط سازمان های صنفی کارگران، ایجاد کار برای همه و رفح بیکاری در سطح کشور - آزادی انتخاب شغل و تأمین شغلی - ایجاد کلاسهای سوادآموزی و کسار آموزی جهت بالا بردن تخصص کارگران - استفاده

از تعطیلات و مرخصی های ضروری - تعیین حداقل دستمزد و حداقل سن کار - تعیین ساعات کار قانونی - برآورده کردن نیاز کارگران به مسکن - ایجاد تعاونیهای مصرف کارگری تأمین بیمه های اجتماعی از قبیل : بهداشتی و درمانی ، سوانح و از کارافتادگی ، پیری ، بازنشستگی ، کمک هزینه و یا استخدام دولتی کارگران فصلی در فصل های بیکاری و رفح ایمن شکل بزرگ جامعه و ...

بخوان نیازهای اساسی جامعه اسلامی اقدام نمائید . با این حمایت از نیروی کار جامعه و مستضعفین در جهت حفظ استقلال و اجزای عدالت اجتماعی تا برقراری حکومت مستضعفین بر مستکبرین همه با هم تلاش نمائیم .

امضاء و اثر انگشت تعداد کثیری از کارگران مسلمان

زارعین حتی از اراضی موات هم اخراج می شوند

راستگرایان " مشرعی " مدافع بزرگ مالکی در تهاجم لجام گسیخته خود به حقوق دهقانان زحمتکش ابتدا بند " ج " قانون مصوب شورای انقلاب را متوقف کردند، سپس در راه تصویب طرح اراضی انواع و اقسام کار شکنی ها و سنگ اندازی ها برآه انداخته اند، بر سر راه آن " دالان بهشت " شورای نگهبان را علم کردند و بالاخره امروز کار بجایی کشیده است که سمینار هیأت های لانفره در قطعنامه ای از شورای عالی قضایی خواسته است " از صدور احکام خلع بید و اخراج زارعین در مورد اراضی موات خودداری کند " . (کیهان ۹ خرداد)

این است عاقبت آنهایی که می خواستند پاسدار منافع کارگران و دهقانان و زحمتکشان باشند، اما حال نمی توانند حتی اراضی موات را برای دهقانان محروم تأمین کنند، و این دهقانان زحمتکش را از این زمین ها نیز اخراج می کنند .

شوخی نیست ... !

رنالد ریگان نماینده مجلس شورای اسلامی

" ناطق با بیان سیاست های استعماری شوروی گفت: ما همسایه جنوبی شما هستیم و شما این خود کامگی را در حق ما کردید . شما میخواهید کودتا راه بیاندازید و این ملت را گرفتار کنید . شما در چکسلواکی ، لهستان ، آمریکای لاتین و آفریقای جنوبی در صدد به بند کشیدن ملل مستضعف هستید ... "

چیز عجیبی است ! اتفاقاً ریگان هم بطور عمده در مورد چکسلواکی ، آمریکای لاتین و آفریقای جنوبی اتحاد شوروی را متهم به توطئه چینی میکند این شمشیرها طی دگردیسی خود چقدر شبیه ریگان ، سمبل " شیطان بزرگ " شده اند !

ساواک بازسازی شده توسط جمهوری اسلامی نیز قادر به انجام رسالت ساواک آریامهر نیست!

بقیه از صفحه ۱

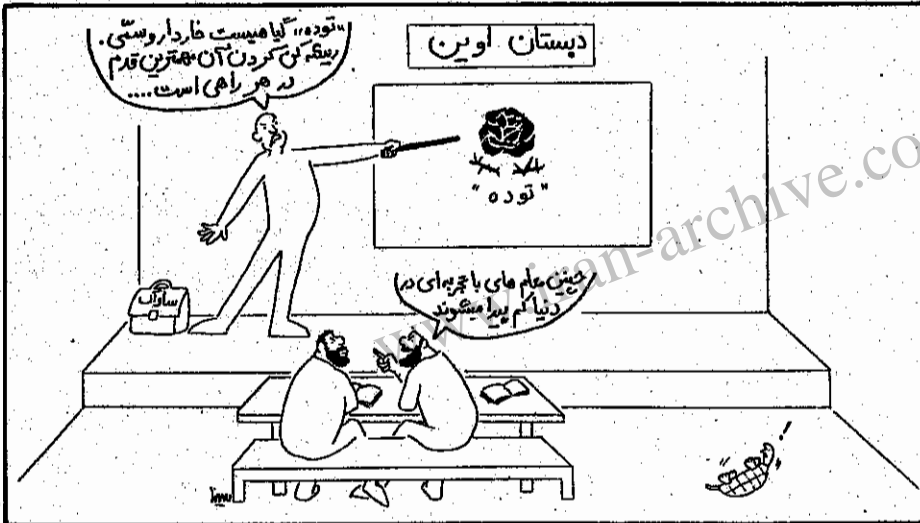
محتوای اقتصادی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران پاسخ داده میشد، آغاز گشت، ارتجاع این بار آنچنان به پیروزی خود در گرفتن "آقای" از قربانیان، توسط راهها و ادوات جدید شکنجه مطئن بود، که از دهان مسئولان دولتی یکی دو روز بعد از دستگیری رهبران حزب اعلام کرد: "آنها اعترافات مهمی در مورد جاسوسی کرده اند که بزودی به اطلاع امت حزب الله خواهد رسید!" آری نزدیک به سه ماه پس از دستگیریها، در خیما توانستند از انسانهایی مسخ شده و درهم کوفته "آقای" مورد علاقشان را بگیرند و فوراً با شادی اعلام کنند که حزب توده ایران "غیرقانونی" است! آن بخش از نیروهای حاکمیت، که زمانی با خواستههای خلق همراه بودند، اگر هم در ابتدا فکر میکردند بازسازی ساواک دارای "محاسن" است و بدین طریق چشم بر این توطئه خزنده علیه

آینده بنفج "اسلام" و برای سرکوبی "رقبا و کمونیستها" استفاده کرده به مزایای سیاسی "بازسازی ساواک" باور کرده بودند، منتشر نشد، بلکه حتی هجوم عزیزان به حزب توده ایران ابعاد تازه ای بخود گرفت، دفتر حزب در تهران و شهرستانها غارت شد و ارگان مرکزی حزب توسط دولت ممنوع اعلام شد! تاثیر مخرب نفوذ ساواکیها در ارگانهای جمهوری اسلامی، هر روز با اشکال تازه تری از قبیل ناراضی ترافی مستمر، کارشکنی، تفتیش عقاید با زداشتهای غیرقانونی و حتی رسیدن اخبار شکنجه با زداشته شدن از زندانهای جمهوری اسلامی، نمود نمائی میکرد. ساواک که کرم دیگر بخاطر "خوش خدمتیهای" خود به جناح راست حاکمیت، در تحقیق و پیگرد و آزار دگراندیشان خصوصاً هواداران سوسیالیسم علمی، به یک

این سازمان جهانی در ابتدا از نخبه ترین دو-خیما رکن دو و مزدوران و اویاشانی کسه در کودتای ۲۸ مرداد نقش خود را بخوبی ایفا نموده بودند، زیر نظر مستقیم سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) تشکیل شد و به مرور با تربیت کادریهای مجرب و شکنجه گران آرموده، که با مد رنترین سیستمهای جاسوسی و کنترل و جدیدترین ادوات و اشکال شکنجه های روحی و جسمی در مکتب "سیا" و "موساد" آشنا میشدند، با گذشت زمان تبدیل به یک شبکه اهریمنی برای اعمال سرکوب و ایجاد خفقان گردید.

همانطور که ذکر شد، مهمترین هدف تشکیل این سازمان جنایتکار، مبارزه با جنبش توده های و اندیشه های سوسیالیسم علمی در مین مابود و هم از اینرو اعمال فشار و سرکوب از طرف این سازگ نسبت به پیروان سوسیالیسم علمی و نیروهای راستین چپ باشد و حدت بیشتری دنبال می شد. با اینحال افسانه قدر قدرتی "ساواک آریامهر" دیری نماند و جنبش توده های از اواخر دهه ۴۰ و اوائل دهه ۵۰ با سازماندهی دقیق قادر به شکستن سکوت مرگبار حاکم برجامعه شده و سیر اعتلائی خود را آغاز نمود. شبکه های مخفی تشکیلات "نوسید" وابسته به حزب توده ایران، تحت شرایط بسیار دشوار حاکم، دست به کار تبلیغی و ترویجی عظیمی زدند، که بیشک در تاریخ جنبش کارگری ایران و جهان با خطوط زمین رقم زده خواهد شد.

با انقلاب شکوهمند مردم ایران در بهمن ۵۷، تشکیلات جهانی ساواک نیز چون حباب روی آب ترکید و توده ها جواز انحلال آنرا صادر نمودند. بخشی از اعضای رهبری ساواک دستگیر و عد های نیز با فرار گداشتند. دستگیر شدگان بعضاً در دادگاههای انقلاب محاکمه و بسزای اعمال خود رسیدند. ولی باصراحت میتوان گفت، که با اعمال نفوذ لیبرالها و برخی از "روحانیون" و "انجمنهای اسلامی" چون حجتیه، که پیوند های محکمی با ساواکیها داشتند، این جانوران درند فرصت این را یافتند، که با توبه کردن و "مسلمان" شدن نه تنها از کیفر قانونی بگریزند، بلکه با ابقا در مقامات اداری و دولتی و نفوذ در ارگانهای برآمده از انقلاب، نقش مهمی در تیشه زدن به ریشه انقلاب از درون ایفا کنند. به همین علت از همان ابتدای انقلاب نیروهای مترقی و در رأس آنها حزب توده ایران با پیگیری خواها افشای چهره های این عناصر پلید توسط حاکمیت بودند. شعار "لیست ساواکیها را منتشر کنید" را که ماهها همه روزه در "نامه مردم" ارگان مرکزی حزب توده ایران نقش میبست، همه بخاطر دارند. ولی نتیجه کار چه شد؟ نه تنها لیست ساواکیها بخاطر کارشکنی راستگرایان و لیبرالها و حجتیه ایها و بی تفاوتی و سطحی نگری مسلمانان مبارز در حاکمیت، که بعضاً حتی تحت تاثیر تبلیغات راستگرایان مبنی بر اینکه میتوان از ساواک در



انقلاب مردم فروستند، زمانیکه توطئه علیه رهبران حزب توده ایران وارد مرحله کیفیتاً تازه ای شد، با سکوت رضایت آمیز و حتی "خوش رخصیهای" بعضی خود در مورد این جنایت حیوانی، دیگر عملاً شریک جرم محسوب میشدند، چرا که آنها بخوبی میدانستند و میدانند، که تنها "جرم" توده ایها اینست که حاضر نیستند درفش انقلاب را بر زمین بگذارند، آنها میدانستند و میدانند که حزب توده ایران بپیکرترین مدافع اهداف استقلال طلبانه، آزادخواهانه و عدالت جویانه انقلاب است و چون آنها از سیاست ماشاات و تسلیم پیروی نمیکند، آنها میدانستند و میدانند، که تنها با گذشتن از روی نعلش توده ایها (آنطور که صادق قطب زاده مدوم وصیت کرده بود) میتوان انقلاب را بسه بیراهه های کشاند، که راستگرایان و "متحد یسن مسلمان" این حضرات نشان داده بودند. آری آنها اینرا میدانستند و میدانند، زمانیکه این جنایت هولناک علیه فرزندان راستین خلسق را "امداد غیبی" و "لطف الهی" نامیدند، تا به خیال خود برای آن پوشش "شرعی" بدوزند، بقیه در صفحه ۱۰

ارگان رسمی ولی مخفی تبدیل میشد، از بیرون توسط انفجار و تیراندازی و از بین بردن مسلما- نان مبارز در حاکمیت و از درون با اعمال سیا- ستهای راستگرایانه و ضد انقلابی، عملاً بازسازی شده بود. راستگرایان و مرتجعین، که حزب توده ایران را سد راه خود برای رسیدن به مقاصد شومشان در به شکست کشاندن انقلاب و احیای دوساره مناسبات آریامهری ولی بدتون شاه و با پوششش "اسلامی" میدیدند، با بخدمت گرفتن مهرها- ئی چون ژنرال فردوست، که کینه های حیوانی نسبت به رهبران حزب توده ایران در دل داشت، زمینه تدارک هجوم همه جانبه به حزب و رهبری آنرا میچیدند. در خیما "ساواک جدید"، که در یکی دو سال اخیر در سازمانهای جاسوسی آمریکا و انگلستان و اسرائیل با مد رنترین دستگاهها و اشکال شکنجه های جسمی و روحی و داروشی آشنا شده بودند، تیغ خود را برای جان بهترین فرزندان خلق تیز میکردند. بدین ترتیب هجوم افسار گسیخته علیه حزب توده ایران در حساس- ترین مرحله انقلاب، یعنی زمانی که باید بسه

نامه خوانندگان

این جهان کوه است و فعل ماصدا باز می آید صداها را ندا

مولوی

بزوال

در این روزهای تاریک که دیکتاتوری "سود" و سرمایه "برای سومین بار طی هفتاد سال، با چهره‌های متفاوت از دیکتاتوری های رضا - خان و فرزند معدومش محمد رضا، اما با همان محتوی، منتهی به مراتب خونین تر و وحشیانه تر از آن دو دوران، بر میهن انقلابی ما مسلط میگردد، امواج بلندی از هواخواهی و پشتیبانی رزمندگان از انقلاب خلق و گردان پیشتان از آن حزب طبقه کارگر، حزب توده ایران و رهبری آن و افشاء دسیسه‌ها و توطئه‌های امپریالیسم و عمال ایرانی آن برخاسته است که طی اشعار، نوشته‌ها، طنزها، هزلها، خاطرات و داستانهای فراوانی بیان میگردد و برای "راه توده" فرستاده می‌شود.

واکنش جوانان انقلابی میهن ما در برابر راستگرایان خادم سرمایه و مستولان تسلیم شده با آنها نشان میدهد که تلاش آنها برای فریختن مردم با موفقیت مطلوبشان روبرو نبوده و بسیاری از مردم آگاه و انقلابی ما بخواهی بر قانون شکنی های راستگرایان و پیمان شکنی های تسلیم طلبان، بر درنده خوئیهای فاشیستی، تزویرها، دروغهای ابله فریب راستگرایان و وردستهای بدمه گوی، هوراکنش و تسلیم طلب واقفند و خنای این فراشان تازه بدوران رسیده استان مقدس سرمایه برای جوانان انقلابی میهن ما رنگی ندارد.

فراشان تازه نفس سرمایه افتخار می‌کنند که بالاخره شاگرد اول مکتب خانه امپریالیسمو سازمانهای سیا و موساد شده و در ضربه زدن به نهضت کارگری ایران به چنان موفقیت‌هایی رسیده‌اند که تاکنون نصیب هیچک از غلام زادگان پیشین سرمایه از رضاخان انگلیسی گرفته تا محمد رضا امریکائی، نشده بوده است.

● رفیق ف. سحر از لیورپول در پاسخ این لبل زبانیهای و افتخارات سیاه دولتداران جمهوری اسلامی ایران شعری برای ما فرستاده که نشان میدهد مشعل فروزان رزم طبقه کارگر ایران و هواداران آن که طی ۷۰ سال توانها و گردبادهای سختی را از سرگذرانده هنوز هم راهنما و روشنی بخش دل و دیده خلق و جوانان انقلابی میهن ماست. این رفیق می‌نویسد:

حزب من

درخت تنومند وجودت
در اعماق زمین ریشه کرده است

و نهالی که باغبانان انسانیت
با خون خود
سیراب کرده‌اند
سربلند و پیراسته، آفتاب را میزبان است.

آن شاید جنگ افروز
به برکنندنت چنگال تیز کرده است.
و آن در تخیم زرناندوز
بجان باقیانت
هجوم برده است،
تاریخ مقدست را
به تهمت می‌آید
و به راه پرتوانت
توهین روا میدارد.

لکن آنها غافلند
که کار را به خارا
آزمون می‌کنند.
غافلند که

ریشه‌هایت در اعماق زمین است
و جوانه‌هایت آفتاب را می‌زبانند.

رفیق علی م. از لیورپول طی شعری
انگشت بر دلائل اصلی توده ستیزی، عوامل
سرمایه نهاده و می‌نویسد:

چند شب پیش بعد از شنیدن احبار
"رادیو ایران" چند کلهای بصورت شعر
بروی کاغذ آوردم که برایتان می‌فرستم:

راه ما مرگ ندارد هرگز!

در دیار غم و غریب
زدرون من هجرت زده دور از دیار و دیار
سرکشند فریادی
سرزند آوایی
کای ایران، ایران!
قد علم کن، برخیز!
باز دشمن دشمنه را کرده تیز.

هرگز ز مرگ هراسیمان نیست
راه ما مرگ ندارد هرگز
مرگ ما پیروزی است
روز پیروزی ما، پیروزی است.
روز خشنودی پیکارگران، کارگران
سحر رنجبران
آفتاب دهقان
روز آزادی و آبادانی است.

آری، آری، ایران
سرمای بر سر دار است از آن
که ترا خواستیم آزادان
که ترا خواستیم آبادان

آری، آری اینست
آن گناهی که بیدادگ سرمایه -
اجز و مزدش مرگ است.
لکن از مرگ هراسیمان نیست
راه ما مرگ ندارد هرگز
مرگ ما پیروزی است
روز پیروزی ما، پیروزی است.

رفیق کاوه در شعری که از ایتالیا فرستاده
با اشاره به حیدر عموغلی انقلابی مبتکرو
اندیشمند ایرانی که بخانه يك کمونیست یا به
اصطلاح زمان خود سوسیال دمکرات تمام
زندگی آگاه خود را نخست در خدمت انقلاب
جنگ گذراند و سرانجام بدست همسرزمان
فریب خورده ناجوانمردانه بقتل رسید،
یادآوری می‌کند که توده‌ایها ی امروز از
خانواده و قبیله همان حیدر عموغلی هستند
که گرچه با غدرو خیانت از پای درآمد، ولی
راهش تا امروز ادامه یافته و از این پس نیز
خواهد یافت و دشمنان توده‌ایهای امروز نیز
روزی در دادگاه تاریخ باید همچون قاتلین
حیدر عموغلی سرافکنده و شرمسار پاسخگوی
خلقهای زیر ستم میهن باشند.

● رفیق نوشین نامه‌ای در باره دستگیری پدرش،
به "گناه" عضویت در حزب توده ایران برای
ما فرستاده و می‌نویسد خوشبختانه اینکه درد گرفتار
ری دیواره پدرم را بوسیله شعر بیان کنم، اینکه
پدران تودطای ما بدانند که افتخاری برای ما
هستند، شعر رفیق جوان ما نوشین بدینصورت
آغاز می‌گردد:

ای چپ، زندگای، زندگای
توده، زندگای، زندگای
ایران زنده است
تا تو زندگای.

● دوست عزیز ع نوشتاید که چرا از میرزا
کوچک خان جنگلی و مرحوم خیابانی به نیکی یاد
کردیم و آنانرا بخود نسبت دادیم؟ غافل از
اینکه بر همه مسلم است باعث شهادت این بزرگو-
اران حزب توده ۰۰۰ بوده است.

● دوست عزیز، از بزرگان به نیکی یاد کردن
ارتباطی با بخود نسبت دادن آنها ندارد. ما
از همه بزرگان گذشته، صرف نظر از برخی اشتباهات
کوچک و بزرگشان به نیکی یاد میکنیم زیرا معتقدیم:
بزرگش نخوانند اهل خرد

● که نام بزرگان بزشتی برد
لازم به یاد آوری است که شهادت میرزا کوچک
خان و شیخ محمد خیابانی سالها پیش از بنیان
گذاری حزب توده ایران انجام گرفته است.
بنابراین حزب توده ایران نمی‌تواند باعث
شهادت آنان بوده باشد. اگر هم چنین پنداشته
اید که کمونیست‌های ایرانی باعث شهادت آنان
شدند باز دچار اشتباه شده‌اید و شما را به
استضعاف کشاند مانند.

● لاقل در مورد حوادثی که اکنون در کشور
میگذرد چشم و گوش خود را باز کنید تا فردا نه -
گوئید که "حزب توده ایران باعث شکست
انقلاب اسلامی شد".

● دوست بسیار گرامی م احساسات پاک شما
که در قالب شعر ریخته شده بود ما را بشدت
تحت تاثیر قرار داد. امید داریم در فرصت مناسب
بتوانیم از این شعر شما استفاده کنیم. شما خود
متوجه هستید که اندکی درنگ در این مورد جایز
است تا قضایا آنطور که باید و شاید آشکار گردد.



پاکستان پایگاه آمریکا است

امپریالیسم آمریکا و محافل ناتو به سوزانات سیاست نظامیگرا نه خود در اروپا که تجلی آنرا در استقرار موشکهای میانبرد میتوان مشاهده کرد، در صددند تا منطقه اقیانوس هند را نیز به پایگاه پر قدرت امپریالیسم در چارچوب سیاست استراتژیک جهانی خود در مبارزه علیه سوسیالیسم و جنبشهای مترقی در منطقه بدل سازند. علیرغم آنکه اکثریت کشورهای غیرمتحده از طرف سازمان ملل متحد خواستار تبدیل منطقه اقیانوس هند به منطقه صلح شده اند، امپریالیسم آمریکا با تقویت پایگاه خود در جزیره دیوگارسیا تشکیل ستاد فرماندهی مرکزی نیروهای مداخله سریع و استقرار آن در این منطقه حلقه پایگاههای خود بر دور اتحاد شوروی را تنگتر کرده و منطقه رابه کانون تشنج خطرناک بدل کرده است.

طبق اطلاعاتی که اخیراً منتشر شده اند، آمریکا و پاکستان يك قرارداد محرمانه به امضاء رسانده اند که طبق آن، پاکستان به آمریکا اجازه داده است تا نیروهای مداخله سریع در صورت لزوم از پایگاههای نظامی این کشور در کراچی و بندر گوآتر (پاکستان) و همچنین مناطق نظامی پیشاور استفاده کنند. همچنین در نظر گرفته شده که پنتاگون يك شبکه الکترونیکی در پاکستان برای رهبری عملیات نظامی خود در خلیج فارس و آسیای جنوب غربی دایر کند. اگرچه ضیا الحق

این مسئله را تکذیب کرده است، اما شواهد برقراری روابط تنگ نظامی میان آمریکا و پاکستان که بصورت تشدید ارسال تجهیزات نظامی آمریکا به پاکستان، که بد رنترین سلاحها و تجهیزات پیچیده نیز در میان آنهاست، تجلی یافته، به اندازه کافی افشاگر واقعیات موجود است. گرایش هرچه بیشتر پاکستان به استراتژی نظامی آمریکا نه تنها علیه افغانستان و اتحاد شوروی بلکه تمام کشورهای مسترقي و جنبشهای آزاد بیخشن منطقه و بمنظور تأمین صدور نفت به غرب است.

اجلاس اونکتاد در بلگراد

ششمین کنفرانس بازرگانی و تکامل سازمان ملل متحد در بلگراد آغاز بکار کرده است. اونکتاد که ارگان دائمی مجمع عمومی سازمان ملل متحد است، موافق قطعنامه صادر شده در زمان پاییزی خود در سال ۱۹۶۴، مسائل مربوط به تشویق ایجاد روابط بازرگانی میان کشورهای با سطح متفاوت رشد اقتصادی و کشورهایی با نظام های اجتماعی-اقتصادی گوناگون و تدوین اصول بنیادی مربوطه را در دستور کار خود دارد. تا کنون ۵ کنفرانس جهانی بازرگانی برگزار شده است. در ژنو (۱۹۶۴) در دلهی (نوامبر ۱۹۶۸) در سانتیاگو شیلی (۱۹۷۲) در نیروبی (۱۹۷۶) و در مانیل (۱۹۷۹).

در جلسات مقدماتی شورا دستور کار کنفرانس جاری در بلگراد با مشورت شرکت کنندگان معین شد. طیف وسیعی از مسائل روز جهانی پیرامون بازرگانی، ارزی و مالی در این کنفرانس مورد بررسی قرار خواهد گرفت. تاثیر بحران اقتصادی جهان سرمایه داری بر مناسبات اقتصادی و رشد اقتصادی کشورهای، جستجوی گامهایی در جهت برقراری نظام نوین اقتصادی بین المللی، میزان

تحقق برنامه مواد خام، که در اجلاس قبلی کنفرانس تدوین شده بود، مسائل مربوط به پیشرفت های در مبادله کالا با توجه به سیاست مقابله با ورود کالا به کشورهای امپریالیستی، مسئله دکراتیزه کردن مناسبات مالی و ارزی بین المللی و همچنین تحقق برنامه مربوط به کمک به کشورهای بارشد نازل که در پاریس تدوین شده بود از جمله مسائلی است که در بلگراد مورد بحث قرار دارد. ۱۶۶ کشور در جلسات اونکتاد شرکت دارند.

در نیکاراگوئه

ارتش مردمی ساندينیستی همچنان در حال تار و مار کردن ضد انقلابیونی است که از خاک هندو راس به داخل نیکاراگوئه رخنه کرده اند. دولت نیکاراگوئه یادداشتی اعتراضی در مورد پرواز هواپیماهای نظامی این کشور بر فراز خاک نیکاراگوئه تسلیم دولت هندوراس کرد. همچنین اعلام شد که وضع فوق العاده در نیکاراگوئه برای يك سال دیگر تمدید شده است. اما میتواند پس از پایان یافتن تجاوزات خارجی این وضع پایان یابد.

وزیر امور خارجه نیکاراگوئه نیز طی يك مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که دولت متبوع وی همچنان خواهان مذاکره با هندوراس به منظور رفع اختلافات موجود است. وی از بیانیه رئیس جمهور کاستاریکا که اعلام کرده است، با تمام توان و امکانات خود اجازه نخواهد داد که از خاک این کشور علیه نیکاراگوئه تجاوزی صورت گیرد، استقبال کرد.

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

رفقای هوادار حزب توده ایران در گوئینگن هزینه چاپ این شماره "راه توده" را تأمین کردند

رفقای گوئینگن برای دو مین بار هزینه چاپ يك شماره "راه توده" را تأمین میکنند

RAHE TUDEH
No. 46
Friday, 17 June 83
Address: Winfried Schwarz
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:	England	30	P.
West-Germany	Belgium	22	Fr.
1	DM Italy	600	L.
France	3	Fr. U.S.A.	40
Austria	8	Sch. Sweden	3
			Skr.

کنفرانس های مطبوعاتی در پایتخت های اروپا، ...

بقیه از صفحه ۵
بود، گفت: "من نه تنها در اثر نمایش این فیلم ها به واقعیت شکنجه روی این افراد پی برده ام، بلکه از شدت و سیاحت این شکنجه ها شوک شده ام." ضمناً در این مورد، نظر رسمی دکتر ج ۱۰ تامسن، استاد عالی رتبه روانشناسی دانشگاه لندن، که به دلیل وضعیت اضطراری از شرکت در جلسه عذر خواهی نموده بود، خواسته شد. وی در نامه خود از جمله متذکر گردیده است: "بی حالتی صورت و بی تفاوتی چشمان ۶ نفری که فیلم آنها را دیده ام شدیداً جلب توجه می نماید. احتمال اینکه این "اعترافات" از روی میل و اراده باشد از نظر من بسیار اندک است. اگر ادعا شود که "اعترافات" با ارزش و بر طبق

اراده این افراد بوده است، من باید این افراد را در يك جلسه، صاحبه عمومی تر ببینم تا با و رکنم."

در پایان آقای بهتر داتی ضمن ارائه جمع بندی بحثهای جلسه، از کلیه نیروهای مترقی، مدافعان حقوق بشر و رسانه های گروهی خواست که با "کمیته بین المللی پشتیبانی از زندانیان توده ای" همدا شده و مقامات ایرانی را وادار سازند تا در وهله اول این میهن پرستان را بلا درنگ آزاد سازند و در غیر این صورت، يك هیئت بین المللی را برای بازدید از زندانیان توده ای بپذیرند.

شهادت آیت الله سعیدی

۲۰ خرداد، همچنین مصادف با سالروز شهادت آیت اله سعیدی است که او هم در زیر شکنجه ساواک بشهادت رسید. دست جنایتکار همان شکنجه گرانی که رفیق قهرمان ما حکمت جو و مبارز مذهبی آیت اله سعیدی را شکنجه نمودند، و به شهادت رساندند امروز هم از آستین شکنجه گران توده های ایران در بند بیرون میاید.

روزی که ...

بقیه از صفحه ۷
پیمان می بندند که راه او را تا پایان بروند و بسا پیکار بی امان خود ریشه های تسلط اهریمنی امپریالیسم را از خاک وطنی که خون "حکمت جو" ها آنرا آبیاری کرده است، بکنند.